



پیام به کارگران و زحمتکشان ایران بمناسبت اول ماه مه

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت فرا رسیدن اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز همبستگی کارگران جهان پیام خود را به کارگران و زحمتکشان کشورمان انتشار داد. در این پیام با اشاره به اوضاع کنونی مهمترین وظایف جنبش کارگری میهن مسا مورد توجه قرار گرفته است. متن کامل این پیام در صفحات ۳ و ۴ درج شده است.

مسلمانان مبارز بر سر دوراهی: تسلیم یا ایستادگی

آنگاه که امام حرف خویش را زده و شورای گهبران را نیز مسئول رسیدگی به این امور کرده است، هم اشاره رفسنجانی مفهوم میشود و هم تکلیف مخاطبین وی. هدف اصلی رفسنجانی از اینکه اعلام میکند "اقتصاد مسئله فرعی است" تبلیغ و تأمین سازش و همدستی همه جناحها با راستگرایان مسلط علیه مردم است. آنها میگویند "اقتصاد مسئله فرعی است" اما "حنگ مسئله اصلی است" همچنین میگویند: "صرفنظر از وحدت ملی و اسلامی باید روحانیت یک وحدت جداگانه بین خود داشته باشد" و "تا وقتی حتی یک مخالف داریم باید اختلاف خودمان را کنار بگذاریم" و "کنار بیائیم". بنا براین به نظر وی بسیار ناخردانه خواهد بود اگر مسلمانان مبارز مخاطب وی از اقتصاد و یا مبارزه حرب بزنند. آنها باید به با تلاق سازش بپیوندند. اینست هدف اصلی "اصول" آقای رفسنجانی.

البته واضعین این "اصول" هدفهای دیگری را هم تعقیب میکنند. آنها میخواهند به مردم بگویند که وعده های گذشته آنان درباره "عدالت" همین چیزهایی است که امروز می گویند و همین کارهایی است که امروز میکنند. مسئله خیانت و نیاید اصلا در میان نیست. از سوی دیگر امثال رفسنجانی به کمک این "اصول" اختلافهای گذشته شان را با "زیندستان" زمان "توجه میکنند تا براین پایه اعتماد لازم در مناسبات بالائی ها را تأمین کنند. آنها پیشاپیش تکلیف خودشان را با خرد اختلافهایی که بر سر مسائل اقتصادی ممکن است بروز کند روشن و خیالشان را راحت میکنند.

پیشنهاد سازش آقای رفسنجانی بطور عمده متوجه مسلمانان مبارز است و در رابطه با همین نیروهاست که اجرای "اصول" وی، ابعاد ارتجاعی خود را نشان میدهد. مسلمانان مبارز دارای هدفهای تریخوآهانه و وفادار به قانون اساسی اگر چه نامتکلمند، هنوز نیروی قابل توجهی هستند. در میان مجلسیان، روحانیون، دولتیا و در نهادهای اجرائی گوناگون، خصوصا آن نهادهای حکومتی که بلاواسطه و یا بطور نسبی حلقه های اتصال دستگاه حکومتی با مردم هستند، مسئولین و مامورینی وجود دارند که خواست و منافع خود را با هدفهایی که سیاست حاکم در پی آنهاست متفاوت می بینند. آنها وعده های قدیم جمهوری اسلامی را باور دارند. این نیروها در شرایط تشدید تضاد مردم با حکومت بیش از پیش خود را بر سر دوراهی ایستادگی یا سکوت و سازش می بینند. بقیه در صفحه ۵

هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه نوزدهم اسفندماه رشته مسائلی را پیش کشید که اگرچه تازه نیستند، اما توجه به آنها خصوصا برای تشخیص درست سازش نیروهای حکومتی اهمیت دارد. رفسنجانی در این سخنرانی از مسلمانان و تناقضات درون حکومت یکی را که موضوع آن بنیادی ترین موضوع جامعه ما یعنی اقتصاد است برزگدی و گفت: "یک اختلافی در سطح کشور از مراجع گرفته تا مردم عادی و کارگرها وجود دارد... این از مسائل اقتصادی است... یک طرز فکر در مملکت ما وجود دارد که بیشتر توجه دارد به کنترل دولت... (میخواهند) حتی الامکان اقتصاد را در اختیار دولت قرار دهند و بیشتر طرفدار آن هستند که دست بخش خصوصی از تصمیم گیری های اصلی کنده شود... یک عده ای هم از این طرف فکر می کنند که نمونه هایی که ما از کشورهای کمونیستی داریم میبینیم هرچه بیشتر دولتتها حاکمتر شدند وضع مردم بدتر شده و کشورهای کمونیستی که اصلاحاتشان اقتصاد است اقتصادشان شکست خورده است." هدف رفسنجانی از طرح این مسئله این نبود که بگوید چنین اختلافی وجود دارد. این اختلاف از آغاز پیدایش جمهوری اسلامی وجود داشت. مذهبایی اوج خود را پشت سر گذاشت و در آن زمان هم شخصی ایشان از چهره های مشخص مشاخر بودند و در آستین هزار دلیل برای اثبات نظر خود، مبنی بر لزوم "عدالت" در جمهوری اسلامی داشتند. او می خواست بگوید: "این یک مسئله مذهبی نیست. قاطع می گویند این اختلاف فقهی نیست. اختلاف موضوعی است." آقای رفسنجانی علاوه بر اینکه "اختلاف در عرصه اقتصادی" را "فرعی و موضعی" اعلام میکنند، اختلاف بر سر همین مسئله فرعی را هم اختلاف کارشناسی می نامند و می گویند: "الحمدلله بالای سرما شخصیت امام که همه ما قبولش داریم به علم و تقوی وجود دارد". از

با تشکیل یک نهاد مشترک مبارزه در راه آزادی زندانیان سیاسی را هماهنگ سازیم

کارنامه جمهوری اسلامی در سرکوب دگراندیشان، اعمال شکنجه های قرون وسطایی و رفتار بقایست زندانیان با زندانیان سیاسی یادآورسیاه کاریهای فاشیستهاست. در زندان های جمهوری اسلامی برای کسب اطلاعات، بزانو درآوردن زندانیان و اادار کردن آنان به انجام مصاحبه از هیچ دهنشی و جنایتی پرهیز ندارند. ما مورین جمهوری خودسرانه افراد را دستگیر می کنند و دستگیرشدگان را بلافاصله چشمتند می زنند و به اتاق تعسبیت (شکنجه) می برند. با حضور حاکم شرع و با حکم وی شکنجه شروع می شود. آنان همانند ساواک عمدتا از شلاق استفاده می کنند. و علاوه بر آن انواع دیگر شکنجه ها: دستبند قیانی، آویزان کردن، سوزاندن، بیخوابی ممتد و شوک الکتریکی را بکار میگیرند. جلادان در کارست شکنجه ها علاوه بر تاجربا ساواک از شیوه های رایج قرون وسطایی بهره میگیرند. بقیه در صفحه ۷

ادامه جنگ وسيله سازش با آمریکا

جنگ ایران و عراق که با هدف فرسایش و نابودی انقلاب بزرگ مردم ما فروخته شد، اکنون در چهارمین سال خود شرایط را برای تحقق کامل هدفهای آمریکا و ارتجاع ایران آماده میکند. از همان آغاز جنگ، سازمان ما و دیگر نیروهای انقلابی آگاه و پیروبخش زیادی از نیروهای حاکم تشخیص دادند و اعلام کردند که مسبب اصلی جنگ آمریکا است و رژیم سرکوبگر صدام به تحریک آن سپاهیان را بسوی کشور ما روانه کرده است. سازمان ما و حزب توده ایران با هوشیاری و آینده نگری کویبند تا آماج اصلی این جنگ و جنبه های گوناگون نقشه ای را که آمریکا با سایه آن تنظیم کرده است، برای نیروهای میهن پرست و مردم ایران فاش سازند. آیت الله خمینی هم در آرزوی (و تا همین چندین پیش با رها اعلام کرد که: "جنگ ما با صدام نیست، جنگ ما با آمریکا است" ایشان میگفتند: صدام فریب آمریکا را خورده است" از سوی دیگر وی به بیروا و خویشا طمینا نمیداد که: "جنگ ما با آمریکا هرگز تمام نخواهد شد" و آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند" اما شعارهای پرطنین رهبری جمهوری اسلامی علیه آمریکا در راستای جنگ و بطور مشخص پس از دفع تجاوز سائیده و سائیده تر شدند. آمریکا و ارتجاع داخلی سوا بربر را به جنگ، هر "غلطی که در این شرایط ممکن بود کرده اند و اندکانک شعراهای حکومت جمهوری اسلامی در رابطه با جنگ جای خود را به شعارهایی دادند و میدهند که دوستان "زیرک" آمریکا از اول پیشنهاد میگردند.

سازمان ما در راستای فاش نمودن تقویت و سلطه خط مشی راست و پیرد علیه جریانهای راست و ارتجاعی در حاکمیت، با دقت چگونگی بهره برداری استگرایان را از جنگ برای گسترش و تحکیم مواضع خود و نزدیکی به غرب و آمریکا توضیح داد و افشاء کرد. توجه به موقع سازمان ما به رشته تلاشهای بی در حکومت با هدف علم کردن و بهانه قرارداد صدام برای میبودن هر چه سریعتر راه نزدیکی و دوستی با آمریکا نمونه این امر است. چند و چون آماج این گرایش مشخص درون حکومت در نخستین شماره "مسایل انقلاب و مواضع ما" منتشره در شهریور ما سال گذشته به دقت در آنجا گفته شد:

"اخیرا در جمهوری اسلامی تعبیر خاص دیگری از شعار جنگ مساله اصلی است" ارائه میشود محافل در حکومت و پیرامون آن اینطور مطرح میکنند که گویی امپریالیسم مساله اصلی نیست، صدام مسئله اصلی است... اکنون بیم آن میرود که در جمهوری اسلامی ایران سیاستی در پیش گرفته شود که به امپریالیسم آمریکا نزدیک شود. در هر حال ایران برای شما بهتر از عراق است. بجای صدام از ما حمایت کنید. اکنون در جمهوری اسلامی ایران این حرف خیلی تبلیغ میشود که آمریکا باعث ادامه جنگ است. اگر حمایت خود را از صدام قطع کنید ایران یک روزه کار را تمام خواهد کرد. هر انقلابی صادقی اصلا نمیتواند در این بقیه در صفحه ۲

یادشهادت رفیق بیژن جزنی و همروزمان

سیام فروردین امسال برابر بود با نهمین سالگرد شهادت رفیق بیژن جزنی و هشت تن همروزمان فدائی و مجاهد که بدست دژخیمان رژیم شاه مخفیانه در تپه های اوین اعدام شدند و جسدشان دور از چشم مردم در گوشه ای از گورستان بهشت زهرا کنار رم به خاک سپرده شد. همروزمان راه آنان امروز هم دهنمان بدست عسکسال جمهوری اسلامی به شهادت میرسند، اما پرچی که آنها برافراشته بودند همچنان در اهتزاز است و در اهتزاز خواهد بود. در صفحه ۶

در این شماره:

- خواست ها و مسائل کارگران در آستانه اول ماه مه در صفحه ۴
- مهاجرت دهقانان و افاضات مسئولان در صفحه ۶
- احیاء آرسی - دی با شرکت جمهوری اسلامی در صفحه ۷
- رهنمود به اعضا و هواداران در صفحه ۵
- افغانستان: شش سال پس از پیروزی انقلاب شور در صفحه ۸

جنگ را قطع کنید، مردم صلح می خواهند

ادامه جنگ...

بقیه از صفحه ۱

فکر نباشد که هم اکنون سیاست راست در حکومت جمهوری اسلامی ایران خود را آماده کرده است. که پیشنهاد قطع حمایت غرب از صدام را وسیله نزدیکی و کنار آمدن خود با آن قرار دهد.

سیر رویدادهای چند ماهه اخیر بطور اخصی درستی بررسی ها و پیش بینی های ما را اثبات کرده است. در این میان رویدادهای سه ماهه گذشته را می توان برده برداری رسمی رهبران حکومت از سیر تکوین توطئه نامید.

* * *

یکی از خودافشاکریهای حکومت در رابطه با این توطئه سخنرانی ۲۲ دیماه رفسنجانی بود. وی در آنجا به دفاع از احیای قرارداد نظامی ۲۵ میلیارد دلاری شاه - آمریکا پرداخت و گفت: "ما یک قراردادهایی داشتیم با آمریکا، یک جریان خرید بوده و زمان شاه که از امریکالسلحه خریدند، در حدود ۲۷۰۰ قرارداد" (به ارزش ۲۵ میلیارد دلار، برابر با درآمد نفتی یکسال) و همچنین "قراردادهای نظامی با انگلیس بود. در حدود ۲ میلیارد دلار" او سپس لغو این قراردادها را "حیات" و "جنایت عظیم" خواند و گفت سلاحهای امریکائی - انگلیسی موضوع این قراردادها، برای مردم "از نان شب واجب تر است" و حکومت چه از طریق "دادگاه لاهه" چه از راههای دیگر آنها را از امریکا پس خواهند گرفت.

رفسنجانی به نمایندگی از حکومت سلاحهای را برای مردم از "نان شب واجب تر" میداند که مردم برای لغو قرارداد خرید آنها در جریان انقلاب، از نان شب و از خود گذشتند. او کوشید تا احساسات انقلابی مردم را وسیله فریب آنها قرار دهد و دفاع خود را از احیای قراردادهای امریکائی جا بیندازد. رفسنجانی در طول مدتی که نظیر حکومت را دربار این قراردادها نتگین شرح می کرد همه "خبرگی" خود را بکار بست تا با چوب زدن مرده، بختیار نگذارد مردم پی ببرند که روی سخن او با غرب و بطور مشخص در عمل با امریکا است.

پس از این موضعگیری ضد مردمی هاشمی رفسنجانی در هفتم اسفندماه در مصاحبه بسیار رادیوی جمهوری اسلامی پیشنهاد ۲۲ میلیاردی را چربتر میکند و به "سؤال" میپیمتری "پاسخ" میگوید. خبرنگار می پرسد: "جایگزینی مهره ای بجای صدام در محافل غربی مطرح شده، نظر شما چیست؟" رفسنجانی: "باید رضایت ما را قبلا جلب کنند. برای این کار کسانی که در دستان آلوده به این جنگ نباشد و مورد قبول مردم باشند از نظر ما اشکال ندارند".

پرسشی که در اینجا خبرنگار جلوی رفسنجانی می گذارد در واقع قبلا خود رفسنجانی و یاد دیگر مسئولان حکومت تنظیم کرده و در لیست سئوالات "خبرنگار" گنجانده اند. این پرسش در یک شرایط خاص (که هنوز همه جنبه های آن فاش نشده) و متناسب با تحولات معینی در مناسبات حکومت با "قدرت های غرب" میتواند مطرح شود. طرح چنین سئوالی خود بیش از نصف پاسخ را همراه دارد.

در اینجا صدام "مسئله اصلی" نیست مسئله هم این نیست که راستگرایان حاکم شنیده باشند که در محافل غربی سخن از جایگزینی "مهره ای" بجای صدام است. مسئله اینست که راستگرایان حاکم زیر علم "صدام دشمن اصلی" آن "محافل غربی" را به حل مسائل فیما بین و پشتیبانی از حکومت ایران دعوت میکنند.

جایگزینی بسیار حساب شده "شعار" صدام مسئله اصلی بجای امریکا دشمن اصلی در پاسخ رفسنجانی بروشی دیده میشود. ایشان نه تنها مثل قدیم امریکا را مسبب جنگ و دشمن اصلی قلمداد نمی کنند، بلکه برای تعیین سرنوشت "دشمن اصلی" یعنی صدام، به غرب (بخسوان امریکا) رجوع می کند و کلید "پیروزی در جنگ" را آنجا نشان می دهند.

آقای رفسنجانی آنجا که تقاضا میکند "غرب" در جریان جایگزینی مهره ای بجای صدام "رضایت"

حکومت ایران را جلب کند، در حقیقت صدام را بهانه کرده تا در راه خلف رضایت غرب گام دیگری بردارد. پیشنهاد اینست که غرب به حکومت جمهوری اسلامی ایران که راه دوستی با آنرا میبیماید رضایت دهد و از آن حمایت کند و کمک کند تا "مسائل فیما بین" نبود تحکیم دوستی طرفین حل گردد. کسانی که هیا هو راه می اندازند "صدام دشمن اصلی است" در عمل و در واقعیت این سیاست را پیش می برند. ما در نخستین شماره "مسائل انقلاب و مواضع ما" یک نمونه تاریخی برای روشن کردن این گرایش درون حکومت ایران آوردیم و گفتیم: "در اینجا همان پیوسته می تواند در حال گسترش باشد که در مصدراغ از حکومت سادات گسترش یافت. در آنزمان سادات اینطور عنوان میکرد: "کلید حل مسئله خاور میانه در دست امریکاست و ادامه حمایت امریکا از اسرائیل مانع عمده نامین حقوق اعصاب است. بنا براین اگر ما سیاستی در پیش گیریم که امریکا سود خود را در حمایت از اسرائیل نبیند و در حمایت از اعراب ببیند اعراب خواهند توانست از عهده اسرائیل برآیند. اما از همان اول معلوم بود که این حرفها حرفها صرنا بهانه ای است برای، توجیه سازش با امیرالایم و صهیونیسم زیر پوشش های ضد اسرائیلی". حال بیینیم "مسئله صدام" فی نفسه چه محتوایی دارد. روزگاری رهبران جمهوری اسلامی می گفتند "صدام امریکائی" و صدام را "مهره امریکا" معرفی می کردند. این خود یکی از دلایل آنها برای اثبات سردمداری امریکا در جنگ بود. اما در شرایطی که نزدیکی و سازش با غرب و امریکا پیش میرود آیا یازهم صدام می تواند همسان "مهره امریکائی" قبلی باشد؟ در چنین صورتی تناقضی پیدا میشود که "مسئله اصلی" راستگرایان، یعنی حل مسائل فیما بین با غرب را دچار اشکال میسازد. چنین امری معیار زوج سیاست جلب حمایت غرب است. از این رو در راستای تکوین توطئه، حساب صدام از غرب و امریکا جدا میشود و تلاش برای معرفی کردن او بعنوان "جیب" و "عامل شرق و شوروی" رو به گسترش میگذارد.

رفسنجانی ده روز پس از مصاحبه با رادیو جمهوری اسلامی در بغداد با وزیر امور خارجه ترکیه (در تهران) در باره صدام میگوید: هم کشورهای نفتخیز (یعنی رژیمهای امریکائی - عربستان سعودی، امارات متحده عربی، کویت و بحرین و...) را با خود به ورطه سقوط خواهد کشید و هم مجری اهداف شوروی خواهد بود. ببینید با چه ظرافتی پرده صدام از روی صدامی که راستگرایان حاکم در راه انقلاب و مردم ایران بین کرده اند پس میروند. آقای رفسنجانی با این پرده دری میخواهد به غرب پیام دهد که "نگرانی های جمهوری اسلامی در قبال صدام با نگرانی های غرب در رابطه با "اوضاع منطقه" منطبق است. (ما درون را سنگرمی و حال را بی برون را سنگرمی و قال را)، رهبران حکومت از این هم با را فراتر میگذارند و میگویند اگر در عراق حکومتی روی کار بیاید که مورد قبول همایگانش هم باشد (از روی نقشه به این همایگان نگاه کنید) همه مشکلات حل میشود" و "در سایه حل مساله عراق، مساله افغانستان قابل حل است. اگر این مساله حل نشود در افغانستان هم مشکلات قابل حل نیست. هم اکنون دو مشکل منطقه افغانستان و حزب بعث است".

به این ترتیب "مساله افغانستان" و "مساله صدام" را بهم مرتبط میکند و میکوشد به غرب تفهیم کند که مقصود واقعی ضدیت رهبران جمهوری اسلامی با صدام و قصد آنها در دشمنی با دولت مردمی افغانستان هر دو یکی است و آنها به یک دلیل و "بذیع" منطقه "خواهان حل هر دو مساله هستند. راستگرایان حاکم به اصطلاح مساله افغانستان، این حلقه خونین مودت میان خود و ارتجاع منطقه و غرب را بعنوان قطب نمایی تشخیص مقاصد خود به آنان نشان میدهند و برای جلب حمایت غرب هر چه بیشتر بر آن تاکید میوزید.

امریکا، نه تنها با بیکر جوانان میهن ما تنور جنگ ایران و عراق را شعله ور نگاه میدارند، بلکه با انگشت خونین خود به افغانستان مردمی اشاره میکنند و میکوشند تا فاجعه های باز هم مهلک تری را در چشم انداز ترسیم کنند. امریکا سمت و مضمون این تلاشهای حکومت ایران را نیست و از همان آغاز تشخیص داده و برای تسریع آنها

امکانات خود را بکار گرفته است. امریکاییان باخ پیشنهادهای رفسنجانی را در مورد افغانستان داد. برزیلیکی پیشنهاد کرد که "یک نیروی اسلامی پاسدار صلح در افغانستان تشکیل شود" (اطلاعات ۲۵ اسفند ۶۲) در روزنامه اطلاعات در این باره گفته شد: "ضیالحق روز گذشته حمایت خود را از پیشنهاد تشکیل یک پاسدار صلح اعلام کرد و درباره پیشنهاد برزیلیکی گفت: این اساسا یک پیشنهاد عقلی است "جمهوری اسلامی اولا به آقای برزیلیکی نه گفت. موضع گیری های اخیر امریکا بسود جمهوری اسلامی، در قبال برخی از رویدادهای پرسرو صدا، نمونه دیگری از واکنشها و تشویق کننده و تأیید آمیز امپریالیستهای مثلا در رابطه با مساله گاز برد صلاح شیمیائی است. سوی رژیم عراق، امریکا باخ نطقهای بیابسی آقای رفسنجانی را داد و کلا علیه عراق موضع گرفت حتی دولت امریکا که خود تولید کننده و فروشنده اصلی سلاح شیمیائی است اعلام کرد که مواد شیمیائی به عراق نخواهد فروخت. رهبران راستگرای جمهوری اسلامی نیز بیدرنگ این چیرا سز امریکا را در یافتند و اجر عموماً را برداخته قفیه این بده بستان سرانجام بطوری بسیار بتر معنی، یعنی با نمایش مصاحبه تلویزیونی رفسنجانی با شبکه تلویزیونی "ای بی سی" امریکا به اوج رسید. گزارشگر مصاحبه در این باره گفته است: ۴ روز پیش وزارت خارجه امریکا، عراق را بخاطر استفاده از سلاحهای شیمیائی محکوم کرده است و این اقدام نظر مقامات تهران دورنمانده است، هنگامه - سفارت امریکا در تهران اشغال شد ایران امریکا را شیطان بزرگ نامید و احساسات ضد امریکائی را دامن زد ولی امروز هاشمی رفسنجانی نظیر معاندلتری ایران کرده است "آقای رفسنجانی نیز در این مصاحبه گفت "کار وزارت خارجه امریکا خوب بود و روش امریکا نسبتا تغییر کرده و رسانه های گروهی شمام مجبور شدند بخشی از حقایق را بنویسند و بگویند مردم ما در مجموع اخیر خواب از ریاضی میکنند. "البته امریکا هم دستاشر خوبی آگاهند که جنگ نقش تعیین کننده در گزینش و بیمودن این راه از سوی جمهوری اسلامی داشته است. پس برای اینکه این ره به سر منزل مقصود آنان برسد همچنان باید تنور جنگ را داغ نگه دارند نه صلح خواست امپریالیستهاست و نه صدام مسئله آنها. مساله مقدم آنها در قبال جمهوری اسلامی در جنگ ایران و عراق تا بین کامل منافع امپریالیست سرگردگی امریکادر کشور ما است. مادام که این جنگ به خواست آنان کمک میکند برای شعله ور نگذاشتن آن هیزم جمع خواهند کرد. امریکا همه عواملی را که در طرح و تکوین سیاست نزدیکی به غرب موثرند تقویت میکند تا میوه سموم این سیاست کلاما به بار آید. از یکسو تهدید و فشار، حتی فشار نظامی و از سوی دیگر تطمیع و تشویق، چنین است ترکیب سیاست امریکا در قبال حاکمیت ایران.

رویدادهایی که مورد بررسی قرار گرفت با دیگر ابعاد فاجعه ای را که اساسی ترین منافع ملت ما را آماج قراردادهاست، نشان میدهد. ما از همان آغاز جنگ ایران و عراق گفتیم که این جنگ خطرناک ترین توطئه علیه انقلاب ما است. اکنون واقعیتها نشان میدهند که خطرناک ترین پیامد های جنگ ما تهدید میکند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران با صدور اعلامیه ای در تاریخ ۲۷ اسفند ماه ۶۲ نسبت به فجایع دم افزون این جنگ هشدار داد و از همه میهن پرستان برای مبارزه در راه صلح دعوت کرد. کمیته مرکزی سازمان مسأ اعلام کرد: "برقراری صلح، هدف مقدم و مشترک همه میهن پرستان ایران است" بر همین اساس دعوت شد که برای رسیدن به این هدف برای پایان دادن به کشتار مردم و ویرانی کشورمان راه همکاری و هماهنگی را برگزینیم

امروز مبارزه در راه قطع جنگ بیش از هر زمانی با مبارزه علیه جریان راست حاکم و بخاطر نجات دستا وردهای انقلاب بهمین پیوند خورده است. ماهه مردم ایران را دعوت میکنیم برای خشی کردن توطئه های امریکا و راستگرایان حاکم علیه استقلال میهن و آزادی مردم، برای دفاع از دستا وردهای انقلاب بهمین و برای پایان دادن به کشتار جوانان و ویرانی کشور، با همه امکانات در راه قطع فوری جنگ و برقراری صلح بیکار کنید.

استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیام به کارگران و زحمتکشان ایران بمناسبت اول ماه مه

کارگران و زحمتکشان ایران!

فرارسیدن جشن اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز همبستگی کارگران جهان را به شما مدافعان شعارها و دستاوردهای انقلاب صمیمانه شادباش میگویند. یکصد و یکمین سال شمسی عید پس از پیروزی انقلاب است. در اولین سال پس از پیروزی انقلاب، هنگامی که سراسر کشور غرق در شور و شادی بود، شما امکان یافتید عید اول ماه را در سال ۵۸ با شکوه تمام جشن بگیرید. شما در این روزیانات ظاهرات و راهپیمایی عظیم و پرشکوه خود عزم آهنین زحمتکشان را در ادامه نبرد علیه امپریالیستها به سرکردگی آمریکا و ارتجاع و ضدانقلاب اعلام کردید.

نه سال پیش شما جشن ما، اول ماه را به دعوت سازمان ما با شکوه و عظمت بیمانندی در میدان آزادی برپا کردید. اما امسال با کمترین موج خفقان و سرکوب، جشن واقعی کارگران دیگر نه در میدان آزادی، که در محافل و مجامع پراکنده کارگری و درخانه های مردم زحمتکش برقرار میشود. شما کارگران و زحمتکشان ایران امسال در شرایطی جشن اول ماه مه را برگزار می کنید که در ایست آمریکا به سرکردگی دارو دستبرداران تلاش سارد جهان را به لبه پرتگاه جنگ بکشاند. طی سال گذشته برادران شما در همه کشورهای آمریکا با تظاهرات عظیم خود سیاست جنگ طلبانه و جنگ افروزان را محکوم کردند. مبارزه علیه تجاوز امپریالیستها، مبارزه خلق های ستمدیده جهان در راه استقلال، آزادی و پیروزی همچنان ادامه یافت. خلق های ستمدیده لبنان، فلسطین و کرماندا در سال گذشته به نبرد درونی با تجاوزگران آمریکایی ادامه دادند. توطئه های آمریکا برای درهم شکستن انقلاب افغانستان و نیکارا گوشت خردت گرفت.

در مینما ما نیز حکومت جمهوری اسلامی راهی را در پیش گرفته و به اقداماتی دست می زند که هر کارگر و زحمتکش از آن نفرت دارد. سران جمهوری اسلامی کشور ما را براه سرمایه داری و طرفداری از بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران کشانده اند. آنها در راه نزدیکی به امپریالیستها گام برمیدارند. آنها دروازه های کشور را چهارطاق بر روی انحصارات امپریالیستی بساز کرده اند و سرمایه داران و فراریان عد انقلاب را به کشور بر می گردانند. رهبران آزادی کش جمهوری اسلامی می گویند تا مقاومت انقلابی مردم را درهم بشکنند و احزاب و سازمانهای انقلابی و بن پرست را نابود کنند. آنها خفقان را به کشور برگردانده و تروریسم را بر زندگی مردم حاکم کرده اند. آنها کینه توزانه تلاش دارند سازمانهای سیاسی طبقه کارگر ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران را نابود سازند. این کینه توزی تجسم کامل دشمنی آنها با طبقه کارگر است.

هم میهنان زحمتکش!

در طول سال گذشته حکومت با زور و نیرنگ کوشید تا حقوق کارگران و زحمتکشان کشور ما را پایمال و انکار کند. رهبران جمهوری اسلامی می خواستند همان پیش نویس ارتجاعی و فئداسانی توکلی وزیر کار سابق را به شما تحمیل کنند. اما علیرغم همه تلاشهای آنان شما کارگران بیدار موفق شدید آنان را به عقب نشینی و آوار سازید. شما آنها را مجبور کردید قانون کار توکلی را پس بگیرند و خود را رکنار بگذارند.

اکنون گرچه به ناچار "قانون کار توکلی" رسماً پس گرفته شده است لیکن تلاش هیئت حاکمه برای بستن زنجیرهای سنگین اسارت به دست و پای شما همچنان ادامه دارد. شما ربه اجازه علیه قانون ارتجاعی توکلی موفق شدید یکی از ستونهای آن بنام "اصل تراضی" و به اصطلاح عدم مداخله دولتی را بشکنید و افشا کنید. اکنون در پیش نویس جدید، دولت قانوناً موظف به مداخله در روابط کارگر و کارفرما گردیده است. اما بیدار باشید که این حکومت نه تنها نماینده سرمایه داران است، بلکه همسواره کوشیده است جلوی تشکیل مستقل شما را بگیرد و فقط شکل های کارفرمایان را آزاد بگذارد.

بعلاوه پیش نویس جدید هم بر اساس "باب اجازه" فقه نوشته شده و بازهم مقام و حق کارگر را تا حد "مال الاجاره" تنزل داده است. طبق این قانون بازهم بین کارگر و کارفرما چیزی بنام قرارداد کار (یا اجازه) امضا میشود که مدت آن اساساً محدود و موقتی است و پس از اتمام مدت شما خود بخود اخراج و بیگار خواهید شد. قانون کار باید امنیت شغلی شما را تضمین کند. بدون این زندگی شما تنه و سرنوشت خانواده هایتان همچنان با ریجه دست کارفرما و مهربان اخراج بر پیشانی شماست. اجازه ندهید قانون کاری به شما تحمیل شود که بر اساس باب اجازه نوشته شده باشد. قانون کار باید از "باب اجازه" و فکر اجازه بکلی پاک شود. در راه تدوین قانون کار بر اساس اصول مترقی قانون اساسی و با مشارکت مستقیم و فعال نمایندگان کارگران بگیریان مبارزه کنید. پیروزی در این راه از آن شماست.

کارگران و زحمتکشان مبارز!

در قانون کار باید با صراحت حق تشکیل آزادانه انجمن صنفی (تشکل مستقل کارگری) مطابق "اصل ۲۶ قانون اساسی" گنجانیده شود و حق مشارکت کارگران در اداره تولید (اصل ۱۵۴) رعایت گردد. هر قانونی که حق تشکیل سندیکا و شورا را صریحاً به رسمیت نشناسد، فاقد هرگونه اعتبار و مشروعیت است و از طرف شما هرگز پذیرفته نخواهد شد.

علاوه بر این قانون کار فقط وقتی میتواند مورد تأکید شما قرار گیرد که با صراحت و روشنی حق اعتصاب، حق برخورداری از بیمه کامل و تأمین اجتماعی، حق داشتن شغل در آن منظور گردد. قانون کار باید امکان اخراج خودسرانه را از کارفرما کاملاً سلب کند. در قانون کار باید نوشته شود که بدون تأکید نماینده سندیکا یا شورا هیچگونه اجتناب از اخراج کارگر را ندارد. همچنین باید بیمه بیگاری و تعهد تضمین شغل مناسب توسط دولت برای کارگرانی که بیگار میشوند تضمین شود. ساعات کار کارگری و کارمندی باید رسماً و قانوناً مساوی باشد و مدت آن از لحظه ورود کارگر به محیط کار تا لحظه خروج محاسبه گردد. ساعات کار نوجوانان باید حداکثر چهار ساعت در روز باشد و کار کردن مانع امکان رفتن آنان بنس مدرسه نشود. در قانون کار باید بازرسی کار و کنترل حفاظت و ایمنی آن به عهده نمایندگان معرفی شده از جانب تشکل های کارگری گذاشته شود. حداقل دستمزد باید قانوناً هر ساله بر اساس نرخ تورم و افزایش هزینه زندگی ترمیم شود. کارفرمایان باید ملزم شوند مشاغل کارگران را ارزیابی کرده و مزایای قانونی مربوطه را بپردازند. قانون کار باید کارفرمایان را ملزم کند تا شرایط لازم برای آموزش فنی و کسب مهارت کارگران را فراهم سازند. در قانون کار باید تعهدات و سهم کارفرمایان و دولت در تامین و تعویض مسکن کارگری و تامین مسکن کارگران مشخص شود. قانون کار باید کارفرمایان کارگاه های بزرگ را ملزم سازد که برای کارگران خود خانه های سازمانی بسازند.

کارگران و زحمتکشان مبارز!

سه سال است که حداقل دستمزد شما رانابت نگاه داشته اند در حالی که در همین مدت رهبران حکومت، دست "تجار محترم" را باز گذاشته اند که حاصل کار و زحمت شما را بجایند و میلیاردها تومان بر ثروت خود بیفزایند. آنها به بهانه جنگنه تنها هر روز به انحاء مختلف از دستمزد شما کسر می کنند، بلکه با وقاحت از شادعموت میکنند برای داغ کردن تنور جنگ و برکردن کسه سرمایه داران بدون افزایش دستمزد، تولید را افزایش دهید. درحالی که شما از این جنگ هیچ منفی نمی برید. و بر اثر گرانی هر روز فقیرتر می شوید. شما باید از تمام راهها برای مجبور کردن کارفرمایان و دولت به افزایش دستمزد استفاده کنید. مبارزه در راه افزایش دستمزد یک مبارزه ذاتی است. از همه اشکال مبارزه در نهایت تا تسلیم به حربه نیرومندان انصاف و حق خود را بگیریان، تجارت خود را در این زمینه

به دیگران بگویند و از تجارب دیگران بهره گیری نند. از مبارزه، کارگران دخانات درس بگیریان. عمل ارتجاع می کوشد نوراها ی کارگری و سندیکاها را به بهانه های مختلف تعطیل و بسا بی محتوا سازند در حالی که اتاق صنایع و بازرگانی و انجمن مدیران صنایع و اتحادیه های صنفی کارفرمایی آزادانه تشکیل شده اند و بنفع سرمایه داران کاری می کنند. از تشکیل نهایی موجود کارگری به هر شکل ممکن دفاع کنید. در راه حفظ استقلال تشکل های خود با تمام نیرو مبارزه کنید. جلوی توطئه، منح و دولتی کردن شوراها را با قوت بگیرید. اگر امکان تشکیل علنی و یا مستقل کارگری وجود ندارد، بنده ترین و با تجربه ترین کارگران باید با رعایت اصول بنهان کاری دورهم جمع شوند و مسئولیت هدایت و کنترل مبارزه، توده، کارگران را بر عهده گیرند. آنچه مهم است، ادامه، مبارزه و گسترش آنست. از همه اشکال علنی و غیر علنی در جای خود استفاده کنید.

کارگران و زحمتکشان!

دیروز پدران شما از ظلم ارباب جان میدادند و امروز برادران دهقان از ستم بزرگ مالک و چپاولگری تجار جا نشان به لب رسیده است. سیل مهاجرت روستائیان به شهرها حامل سیاست های فئدهفغانی هیئت حاکمه ایران است. آنها زمین ها را از چنگ دهقانان بیرون می کشند و به مالک برمی گردانند. آنها سیاست دروازه های باز دهقانان را بکلی ورشکست کرده اند. کارگران و دهقانان وفادارترین متحدین یکدیگر هستند. از مبارزه، حق طلبانه دهقانان علیه بزرگ مالکان و سیاست های هیئت حاکمه به هر شکل ممکن حمایت کنید.

رهبران جمهوری اسلامی با سرکوب ددمتانه همه احزاب و سازمانهای مترقی کارنامه خود را سیاه کرده اند و جوته دار و جوته اعدام و گوشت زندان و تلاق و شکنجه را وسیله سرکوب افکار انقلابی و مردمی قرار داده اند. هرکس که مثل آنان فکر نکند، به بیل آنها نبود، هرکس که نور امید در قلبش و سرقی سادی در چشماش باشد به پای میز محاکمه و بازخواست کشیده می شود. آنها میخواهند کسب مرگ و سباهی بر میهن ما بیابند. آنها هزاران فدائی و توده ای و مجاهد را که جز سعادت محرومان جامعه هیچ آرزویی به دل نداشته اند به زندان کشیده و به قتل رسانده اند. آنها شخصیت و مقام زن ایرانی را تقصیر کرده و تلاش دارند زن را به کیز و اسیر بی اراده و بی خاست و فاقد شخصیت اجتماعی تبدیل کنند. آنها ملیت های ستم دیده کرد و بلوچ و ترکمن و عرب را به وحشیانه ترین شکل ممکن سرکوب میکنند. آنها به انجمن های علمی و ادبی و فرهنگی حتی به انجمن های اقلیت های مذهبی ارمنی و آشوری و کلمی را تحت فشار و تفتیقات سیار قرار داده اند. اینها با دانش و دانشگاه، با ورزش و ورزشکار، با هنر و هنرمند سر کین دارند.

برای آزادی فوری همه زندانیان سیاسی ایران فعالانه مبارزه کنید. از خانواده شهدا زندانیان سیاسی حمایت کنید. به هر شکل ممکن علیه تفتیقات قرون وسطایی که در حلق زنان جامعه ما اعمال می شود اعتراض کنید. از مبارزه خلق ستمدیده کرد دفاع کنید. کهنه برستی و تاریک اندیشی سران جمهوری اسلامی را بر ملا سازید.

کارگران و زحمتکشان ایران!

هیچ میدانید چرا سران حکومت با چنین لجاجتی این جنگ خامن سوز و ایران برپا داده را ادامه میدهند؟ گاه می گویند ادامه جنگ باخطر انتقام گیری است. گاه می گویند باخطر برقراری جمهوری اسلامی در عراق است و گاه چیزهای دیگر. اما نیتها هرچه باشد هر روز که جنگ ادامه می یابد هم تعداد زیادتری مردم میهن ما را به خاک سیاه نشانده و گرد مرگ بر ایران می یابند و هم ایران و عراق را بیشتر به آغوش آمریکا می کشانند. جنگ اکنون در عمل وسیله و برآی ایران و سازش و تسلیم به آمریکا است. وظیفه همه ماست که با تمام نیرو به هر طریق که می توانیم برای قطع جنگ و بقیه در صفحه ۴

خواست‌ها و مسائل کارگران در آستانه اول ماه مه

اول ماه مه روز همبستگی کارگران و زحمتکشان جهان، روز نمایش قدرت عظیم ودوران - ساز اردوی جهان فرا می رسد. همه ساله کارگران جهان و پیشاپیش آنان، احزاب کمونیستی و کارگری، در شرايطی بسیار متفاوت اول ماه مه را جشن می گیرند. در کشورهای سوسیالیستی که طبقه کارگر حاکم است، و در بسیاری کشورهای انقلابی و ترقیخواه، این جشن با عظمت تمام برگزار میشود. اما در کشورهایی که رژیم های ارتجاعی و ضد مردمی حکومت می کنند، جشن های اول ماه مه با بصورت کاملاً مخفی و یا با دشواریهای بسیار و حتی با زودخوردهای خونین برپا میشود. در مین ماه کارگران علیرغم همه دشواریها و در شرایط بیچیده جشن خود را برگزار میکنند.

رهبران جمهوری اسلامی، هر سال برای جلوگیری از اجرای جشن همبستگی کارگران، کارکنی و توطئه را می افزایند. آنها سالهاست روز شهادت آیت الله مطهری را پیش کشیده اند و بهانه قرار دادند تا مراسم جشن کارگران را در مراسم عزاداری تحلیل برند. آنها حتی روز کارگر را بعنوان تعطیل رسمی کارگرمی نپذیرفتند. اگر در سالهای قبل، حکومت به کارگران اجازه برگزاری روز جشن را میداد، امروز جلوی آنرا میکشید. امروز وضع بسیار روزها تفاوت اساسی کرده است. امروز حکومت به محافظت منافع سرمایه داران و زمین داران بدل شده است و آشکارا با کارگران دشمنی میکند.

طبقه کارگر ایران که پیش از این، از رهبری جمهوری اسلامی پشتیبانی می کرد، امروز بدلیل آنکه حکومت به آماجهای انقلاب بهمن پشت کرده و آشکارا سیاست ضد کارگری در پیش گرفته، به مبارزه با آن بر می خیزد. رهبری جمهوری اسلامی در راستای دفاع از منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و تلاش برای پییودن راه دوستی و اتحاد با غرب با تمام قوا به سرکوب انقلابیون کمونیستی پشیمانکنان طبقه کارگر و کارگران مبارز مشغول شده است. اما طبقه کارگر حتی در شرایط سرکوب وحشیانه همچنان علیه این توطئه ها می زند.

مبارزه سال گذشته کارگران میهنمان دستاوردهای مثبت و ارزنده ای داشته است. طرد پیش نویس "قانون کار" و ناچار کردن حکومت در برکناری توکللی وزیر کار منظور پیشین نمودن برجسته این پیروزی هاست. این پیروزی ها در شرایطی بدست آمد که چرخش بر راست انجام یافته و رهبران حکومت در واقع در موضع دفاع آشکار از مواضع آقای توکللی قرار گرفتند. پیش نویس توکللی بفايت ارتجاعی بود، چون حقوق منفسی و سیاسی کارگران را در تمام عرصه ها باهمال میکرد. کارگران را از شکل مستقل محروم و نظارت و کنترل بر امر تولید و مدیریت را منع میکرد. رهبران حکومت این "قانون" را پس گرفتند و پیش نویس جدیدی را تهیه و توسط وزیر جدید کار ارائه کردند. قانون جدید نیز بدون مشارکت کارگران تدوین شده است. نحوه تدوین این قانون مغایر با شعار ۵ ساله طبقه کارگر ایران مبنی بر تدوین قانون کار انقلابی با مشارکت کارگران است. مضمون آن با خواستهای اساسی کارگران میهنمان مغایر است.

خواستهای کارگران طی مبارزه علیه قانون ارتجاعی توکللی و در مبارزه ۵ ساله آنها مطرح و مشخص شده است. قانون جدید اساساً در نظر ندارد که کارفرمایان را به رعایت قانون کار موظف و مقید نماید. فصل چهارم این قانون نمونه ایست بیانگر همان روح حاکم بر قانون کار توکللی. تا وقتی این رویه در رابطه بین کارگر و کارفرما مینا قرار گیرد، هیچ قانونی نمی تواند متضمن تامین حداقل حقوق کارگران باشد. پیش نویس جدید ارائه شده ناقص اصول مترقی قانون اساسی است. فصل چهارم آن بر خلاف اصل ۲۹ و فصل پنجم آن که بر پایه طرح "شوراهای اسلامی کار" مصوبه مجلس تنظیم شده، مغایر با اصل ۲۶ قانون اساسی است. این "قانون" به شکلی کاملاً ارتجاعی راه را برای ایجاد هر نوع شکل مستقل کارگری بسته و کوشیده است که شوراهای کارگری را به شوراهای دولتی مبدل کند. این "قانون کار" از آنجا که مشارکت کارگران را در اداره تولید نفی میکند، ناقص اصل ۱۵۴ قانون اساسی است. پیش نویس دست

سرمایه داران را برای افزایش ساعت کار باز گذاشته، بدیهی ترین حق کارگران را که تمامی رژیم های سرمایه داری هم پذیرفته اند نقض میکند آنها میگویند نظر فقها همین است. در پیش نویس، حق اعتصاب کارگران به رسمیت شناخته نمیشود. راه اخراج خودسرانه کارگران همچنان بازاست و کارفرمای بخش خصوصی مکلف به بیمه کردن کارگران خود نیست. با این وضع روشن است که قانون به هیچ روی نمی تواند خواستهای اساسی کارگران را برآورده سازد. کارگران خواهان آن بوده و هستند که قانون کار رژیم گذشته و قوانین مشابه آن کنار گذاشته شود. قانون کار مترقی که متضمن تغییر ریشه ای در روابط کار بود طبقه کارگر باشد، مشارکت کارگران تدوین و تصویب گردد. در چنین قانونی می بایست حق شکل مستقل و آزادانه کارگران بدون هیچ قید و شرطی تضمین شود. و حق مشارکت دموکراتیک کارگران در اداره تولید تامین گردد. حق اعتصاب، مقررات مربوط به کار زنان و جوانان جلوگیری از اخراج خودسرانه و حق بیمه همگانی کارگران تامین و تضمین گردد. مبارزه کارگران در سال آتی نیز در راه تامین این حقوق مسلم کارگران ادامه خواهد یافت.

مسئولین حکومتی با یکاگرایی تزارجاعی "تفرقه بینداز و حکومت کن" کوشش بسیار کرده اند که برای پراکنده نگه داشتن کارگران تشکلهای کارگری را سرکوب، متلاشی و منسوخ کنند. بر اثر این سیاست رژیم و خرابکاری وسفند اندازی مسئولین کارخانه بویژه برقراری سیستم جاسوسی حکومت در درون کارخانجات از طریق "انجمن های اسلامی کارخانجات" که خود را قیم کارگران میدانند و در بی طرف فعالین کارگری از کارخانه هستند، تعدادی از شوراهای کارگری منحل و عده های از فعالین کارگری از کارخانجات اخراج شدند.

در حالی که گذشت، برای تثبیت این روند تحمیلی "طرح شورای اسلامی کار" را به تصویب مجلس رساندند. گرچه هدف اصلی این طرح دولتی کردن و کارفرمایی کردن شورای کارگری و تپسی کردن این شکل را از محتوای طبقاتی آن بود، اما "شورای نگهبان" منافع سرمایه داران و "انجمن مدیران صنایع" به این حدم رضایت نداد و با این طرح کذایی که گویا هنوز هم به اندازه کافی تامین کننده، منافع کارفرمایان نیست مخالفت کرد.

در شرایطی که حکومت همه توان خود را بکار میکشید که نگذارد کارگران متشکل شوند، مبرم ترین و اصلی ترین وظیفه، پیشروان انقلابی ترغیب و تشویق کارگران به حفظ و ایجاد گسترش شکل های کارگری مستقل در واحدهای تولیدی است. مقابل کارگران با سیاست شکل ستیز حکومت نشانه، این واقعیت است که می توان و باید با تاکید هرچه بیشتر بر این درک کارگران برای حفظ شکل های موجود و ایجاد شکل های مستقل کوشش نمود.

پیشرو انقلابی باید به تمامی اشکال درون شکل های موجود، هرچند کم محتوا، حتی اگر وابسته به حکومت هم باشند، طرق مختلف کار انقلابی را بیاموزد و بکار گیرد. تجربه، مبارزه کارگران پیشرو، در دوران رژیم پهلوی در سندیگاهای زرد آن زمان، اینک بار دیگر مورد استفاده کارگران قرار خواهد گرفت و باصبریات جدید غنی تر شده و با شرایط امروزی مبارزه انطباق خواهد یافت.

پیشروان و فعالین کارگری باید به این نکته بسیار مهم نیز توجه کنند که در شرایط گسترش خفقان و سرکوب قرون وسطایی و گسترش رژیم پلیسی در محیط کار، اتکاء یکجانبه به شکل های علنی و قانونی خطای جدی است. هسته های مخفی مبارزه را میان کارگران سازمان دهیم تا علاوه بر تدارک برای شرایط مناسب، به مبارزه روزمره کارگران یاری رسانند. مبارزه ای که گسترش می یابد و به اشکال مختلف بروز می کند.

باید قاطعانه به افشای همه جانبه سیاست های ضد کارگری حکومت چه در درون شکلها و موجود و چه در خارج آن دست زد. باید کوشش ما هیئت سازمانهای را که حکومت ایجاد می کند آنها را سازمانهای کارگری می نامد افشا کنیم.

سال گذشته با افزایش بسیار نورم ک بقول خود مسئولین حکومتی از مرز ۲۵ در صد گذشته است فشار بازم بیشتری بر کارگران زحمتکشان و خانواده هایشان وارد آمد. در مقابل این وضع طاقت فرسا، کارگران جز آنکه جنبش مطالباتی خود، حول افزایش دستمزد آنها سرپرتی به خشن راهی ندارند. اعتراضها پراکنده کارگران که در تمام سالهای پس از انقلاب در مورد مسئله دستمزد وجود داشت، در سال گذشته وسعت بازم بیشتری یافت، بعنوان نمونه در کارخانجات دهخانیات، کفش ملی، جنرال صنعتی، هیدروفل، ارج، آزیاد، اکباتان ساکا، پارس خودرو، دارویش، ایران لست ایران تایر، ری. او. واک، هواپیمایی شرکت نفت پارس و دهها واحد بزرگ و کوچک دیگر در تهران و شهرستانها، کارگران به اشکال گوناگون علیه کمی دستمزدها اعتراض و درموازی دست اعتصاب زدند. پاسخ مسئولین حکومتی که از قبل هم مخالفت خود را با هرگونه افزایش دستمزدها کرده بودند روشن است. آنها اعتصابات و اعتراضات کارگران را با هجوم، دستگیری و اخراج فعالین کارگری پاسخ میدهند. در چنین شرایطی ضرورت تام دارد که حرکت های پراکنده ای که در این زمینه در واحدهای مختلف صورت می گیرد، هماهنگ گردد تا امکان مقابله با فشارهای حکومت و ارتقاء این جنبش تا سطح جنبش سراسری فراهم شود.

پیشرو انقلابی وظیفه دارد برنامه سیاسی اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی رژیم را صورتی برای کارگران روشن نماید. پیشرو انقلابی وظیفه دارد اشکال جمعی اعتراض کارگران و زحمتکشان را نسبت به سیاست ضد مردمی حکومت سازماندهی کند و هدایت نماید. بویژه مسائل ادامه جنگ و هلاکت بار ایران و عراق و مسئولیت و اهداف حکومت و همچنین ضرورت مبارزه برای قطع جنگ و برقراری صلح عادلانه را برای کارگران توضیح دهد. در شرایط دشوار کنونی اگر طبقه کارگر ایران تجربه دوران انقلاب را بکارگیرد، یکپارچه و متحد عمل کند، در مبارزه پیروز خواهد شد. با این امید که فرارسیدن چنین بین المللی کارگران آغاز پیروزی های بیشتر برای کارگران و زحمتکشان و شکست و رسوائی بیشتر برای ارتجاع باشد.

پیام به ...

برقراری صلح میان دو کشور تلاش کنیم. این مهمترین وظیفه ملی و میهن پرستانه شما کارگران و همه مردم ایران است. به جبهه ها کمک نکنید. از رفتن به جبهه خودداری کنید. از هر امکانی برای تبلیغ علیه ادامه جنگ استفاده کنید. اگر شما را به رفتن به جبهه مجبور می کنند باید تمام ابتکارات مفید خود را بکار گیرید که مانع آن شوید. امسال را به سال اعتراض وسیع نموده ای علیه ادامه جنگ تبدیل کنیم. بکوشیم صلح را به میهنمان بازگردانیم. آری، صلح مسئله اصلی است.

کارگران و زحمتکشان ایران!

سازمان فدائیان خلق ایران، سازمان طراز توین طبقه کارگر ایران، مدافع بیگیر و خستگی ناپذیر منافع شماست. فدائیان وفادارترین و فداکارترین یاران طبقه کارگر ایرانند. ما در راه صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی مبارزه می کنیم. هیچ نیرویی قادر نبوده و نیست بیوند عمیق فدائیان خلق با مردم زحمتکش ایران را بگسلد. سازمان فدائیان خلق ایران سنگر استوار و مطمئن شماست. برای گسترش دامنه مبارزه علیه سلطه، مرتجعین حاکم بر جمهوری اسلامی ایران، برای بنای ایرانی مستقل، آزاد و دموکراتیک به صفوف سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بپیوندید. سرانجام پیروزی از آن شماست.

گرامی باد اول ماه مه

جشن همبستگی کارگران جهان

پیروز باد طبقه کارگر ایران

مرگ بر امپریالیسم

زنده باد صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

سی ام فروردین ماه ۱۳۴۳

رهنمود به اعضا و هواداران

رفقای عزیز!

در وضعیت کنونی که رهبران جمهوری اسلامی تلاش دارند همه راههای مبارزه را بروی مسأله ببندند و مانع از آن شوند که توده‌های خلق پیاده و سنگر راستین خود را بازبایند، وظیفه همه ماست که با جدیت و کوشش بیشتر این سیاست ضد مردمی را تا شکست مواجه سازیم.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از شما میخواهد که شهرها و روستاهای میهنمان را با شعارها و تراکت‌های سازمان تزئین کنید. شعارها و تراکت‌های سازمان را که در این صفحه درج شده اند به روی دیوارها ببرید. تراکت‌ها را جداگانه تکثیر و درخیابانها و محلات پخش کنید. توجه داشته باشید که مضمون این شعارها با خواست‌ها و مسائل مردمی کسبه آنها را میخوانند هماهنگی داشته باشد. این شعارها و تراکت‌ها را طی چندماه مکررانبوسید و پخش کنید:

- صلح مسئله اصلی است.
- جنگ را قطع کنید! ما صلح می‌خواهیم.
- صلح استقلال آزادی، عدالت اجتماعی.
- صلح استقلال، صلح صلح آزادی. مرگ سر آمریکا.
- علیه شکنجه و اعدام فرزندان خلق اعتراض کنید!
- به کشتار مردم ستم‌دیده کردستان پایان دهید!
- قانون کار باید مدافع کارگر باشد.
- کارگر مال الاجاره نیست، کارگر ستون انقلاب است.
- دهقانان زحمتکش! دست‌های پینه بسته شما سند مالکیت شماست، مالکان بزرگ را به ده راه ندهید.
- دهقانان زحمتکش! نگذارید زمین‌هایتان را پس بگیرند.
- زمین‌های بزرگ مالکان باید به دهقانان واگذار شود.
- علیه توطئه خرید اسلحه از آمریکا اعتراض کنید!
- زنان مبارز! علیه تبعیض‌هایی که مرتجعین بر شما تحمیل کرده‌اند، مبارزه کنید!

بقیه از صفحه ۱

مسلمانان مبارز بر سر دوراهی ...

رهبری جمهوری اسلامی از اینکه آنان زیرناشر اذیت مردم قرار گیرند و بیانگر مخالفت‌های مردم باشند هراس دارد. از این رو نهایت تلاش را میکنند تا خطر آنها را چه از راه یگانگی از چه از راه به سازش کشاندن آنان خنثی سازند. به همین دلیل است که آقای رفسنجانی بینه آنان می‌گوید: "اختلاف اقتصادی فرعی و موضعی است". پذیرش گفته‌های رفسنجانی تنها یکی از راههای سازش است، نه تنها راه آن. در عمل همه آن اندیشه‌هایی که نه بر اساس تضاد بنا سیاستهای حاکم و مبارزه با جریان راستگرایانه بر اساس کنار آمدن با آنها مطرح میشود رهنمای رفسنجانی ایستاده است. بررسی مضمون و نتایج نظریاتی که در شماره‌های اخیر استفاده شده اطلاعات مطرح شد یک نمونه جالب است.

پنج روز پس از سخنرانی رفسنجانی، ظاهرادر رابطه با مطالبی که وی پیش‌گفتید و باعتراف رفسنجانی در اختیار بی‌حیل همان اختلافاتی که ایشان بر آنها انگشت گذاشتند، مطالبی در سرمقاله‌های روزنامه اطلاعات درج شد که عنوان یکی از آنها "معیاری برای حل اختلاف" بود. اگر رفسنجانی خود را مافوق طریقی اختلاف قرار میدهد، نویسنده اطلاعات در مجموع به راستگرایانی که رفسنجانی مدافع آنهاست سخن می‌گوید و پیشنهاد میکند: نویسنده این مطالب اذعان می‌کند که اختلاف "در این کشور و در این نظام" وجود دارد و می‌گوید "ضروری ترین دستورالعمل این است که معیارهای مورد اتفاق، محورها و معیاری دیگر قدر مشترک‌ها را مشخص‌تر از همیشه در نظر گرفته و بیشتر از همیشه روی آنها تکیه کنیم". بدینگونه مطلب با پیشنهاد سازش به دو طرف آغاز میشود که در موقعیتی بسیار متفاوت قرار

جنگ را قطع کنید! مردم صلح می‌خواهند

هم میهن!

ادامه این جنگ برای تو هیچ سودی ندارد. سود جنگ به جیب کمپانیهای اسلحه سازی غرب و تجار بزرگ بازار می‌رود. ادامه این جنگ خانمانسوز، کشور ما را ویران و جان‌های عزیز فرزندان و خویشان تو را بیشتر بر باد می‌دهد. علیه ادامه این جنگ مصیبت‌بار و برای بازگردانیدن صلح به میهن مان با همه توان بکوشیم.

صلح صلح استقلال . صلح صلح آزادی . مرگ برامریکا

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

همه زندانیان سیاسی باید آزاد شوند

هم میهنان

سران جمهوری اسلامی فرزندان آزاده شما را به وحشیانه‌ترین شکل شکنجه می‌کنند و به قتل می‌رسانند. آنها هم اکنون دهها هزار از میهن پرستان و آزادیخواهان ما را در سیاهچالهای اویسن و گوهر دشت و قزل حصار و زندانهای شهرستانها اسیر کرده و شکنجه می‌کنند. جان زندانیان سیاسی در خطر است. در راه آزادی زندانیان سیاسی مبارزه کنید.

علیه ترور و اختناق، علیه شکنجه و اعدام اعتراض کنید

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دارند. نویسنده درباره موقعیت کنونی هر یک از آنها شاید آگاهانه کوتاهی کند اما مواضع آنان را بدقت تشریح و اذعان میکند: "یک طرف مخالفین خوانین و بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران هستند و یک طرف مدافعین آنان یا اصلاً خودشان". نویسنده همچنین تصریح میکند که مضمون اختلاف عمدتاً مسائل اقتصادی است (اطلاعات - ۱۲/۲۴ - هرکسی رهن خود ۱۰۰۰، سیارچوب، قدر مشترک" و کلمه واحده این دو نیرو، که در واقع تضاد و خصومت میسایست بر روابط اشیا حاکم باشد چیست؟ نویسنده در پاسخ "امام و رهنمودهای ایشان را به عنوان "قدر مشترک" پیشنهاد میکند. "امام" که در این باره رهنمود خود را دادند، پس باید به رهنمودها رجوع کرد: "جازه آنست که طرفین کوتاه بایند... ما باید اولاً همه آنچه را که امام در موارد مختلف گفته اند به عنوان یک مجموعه جمعیت کنیم و ثانیاً از روح کلی آنها با اصطلاح حاصل جمع آنها "قدر مشترک" و محورها را استخراج کنیم ... و همان را مبنا قرار دهیم".

نویسنده اطلاعات درحالیکه سخنان امام را به دو دسته کاملاً متضاد تقسیم میکند. آن فواصل تاریخی را که این حرفها را به دو دسته حرفهای قدیم و حرفهای جدید تقسیم میکند آگاهانه پنهان می‌سازد. چرا؟ چون هنوز این باور را دارد که بتواند امام را در زمان حال "نموده مجموعه دو جریان" تعریف کند و بر این پایه از رهنمودهای امام "قدر مشترک" و برای خود با برای "قوت قلب" خود و در برابر مخالفین خود، امامی را تجسم بخشد. وی املا اشاره نمی‌کند به اینکه امام "قدر مشترک" را علاوه بر عمل، در نظر هم مشخص کرده و مرتباً در دیدار اعضا "شعورای نگهبان با ایشان گفتند: "اگر قبلاً اشتباه کرده باشیم باید صریحاً بگوئیم اشتباه نموده ایم". این معنی ندارد که من بگویم چون دیروز حرفی زدم باید روی همان حرف بمانم.

همه این واقعها اسباب میکند که توکل به "رهنمود" و امانت بستن به "قدر مشترک" و پیشنهاد "کوتاه آمدن" طرفین، با هر نیتی که باشد همان سمنی را می‌پیماید که "اصول" آقای رفسنجانی، خصوصاً در نریاضت کنونی و با توجه به موقعیت نیروهای درون حکومت پیشنهاد "قدر مشترک" جز کوتاه آمدن و سازش و تسلیم مسلمانان مبارز به راستگرایان مدافع غارتگری سرمایه‌داری و بزرگ مالکی و نزدیکی به غرب نخواهد بود. آقای رفسنجانی جوت میدانده که راه تسلیم مسلمانان مبارز را باید با انواع معاملات سازش‌فروشی کرد. پیشنهاد "قدر مشترک" نیز از همان زمره است.

مسلمانان مبارز بختی از نیروهای خلقند. مادام که این خصومت را دارند و به هدفهای مردمی خود وفادارند بین آنها و جریان راستگرای حاکم که در پوشش اسلام خواهی، هدفهای ضد مردمی را دنبال میکند تنها تضاد و مبارزه می‌تواند حاکم باشد. اگر آنها حساب خود را از جریان حاکم سوا نکنند، اگر تفاوت و تمایز هدفهای خود را با راستگرایان برای مردم متحین نکنند و اگر بر پایه تضادی که آنها را از راستگرایان جدا می‌سازد و برای رسیدن به هدفهای خویشتن استوار نایستند و مبارزه نکنند، به دست خویش نیشه بر ریشه خود می‌کوبند. بود نمود مسلمانان مبارز در این نهفته است که آنها می‌توانند از خواستهای مردم دفاع کنند و از حمایت آنان بهره مند شوند یا نه.

آزمون سالیهای بین از انقلاب نحوی روشن ساخته است که راه سازش و نایگیری در مبارزه تا کنون ضربات خردکننده ای بر مسلمانان مبارز وارد کرده است. تکرار این تجربه در شرایط امروز یعنی خودکشی آشکار. آنها برای زنده ماندن و رسیدن به هدف، باید به پیشنهادهای سازش‌ناک نگویند و راه مبارزه را در پیش گیرند.

مهاجرت دهقانان و افاضات مسؤلان

اخیرا رهبران جمهوری اسلامی از معضله بزرگی بنام مسئله مهاجرت روستائیان به شهرها صحبت میکنند و هرکدام برای حل این معضل "راه حل" هایی پیشنهاد میکنند. وزیر کشور "علت مهاجرت" را "تعمیل روستائیان به" تفریح و تفریح" می داند و طبیعتا چاره کار را در آن میجوید که اکیپ های خاصی از قماش گشت های نارالله و جنرال و غیره در میدانها و مراکز تجمع شهرهای بزرگ مستقر شوند تا این نوریست های بیچیز را که غیرقانونی به شهرها هجوم می آورند بازداشت کرده و مجدداً روستاها هدایت کنند. یکی دیگر مثل آیت الله جنتی علت هجوم روستائیان به شهرها را نتیجه زیاد شدن مشکلات در روستاها و "عدم تمسک روستائیان" در مقابل این مشکلات می داند و از آنها می خواهد که از "مهاجرت بی رویه" که موجب "بیشتر شدن مشکلات" و دست نیافتن به "خودکفایی از لحاظ کشاورزی" میشود، پرهیز کرده و مشکلات در روستا را بعنوان "جهاد" تحمل کنند. (ص ۶۲) آزادگان - (۲۱ آبان ۶۲). آیت الله خمینی هم از روستائیان میخواهد که "تعی کنند به شهرها نیایند و در روستاهای خود بمانند چون آنها تمیخواهند مثل بالای شهری های ما زندگی کنند". علت مهاجرت روستائیان به "تفریح و تفریح" و "عدم تحمل مشکلات" و نه تقلید زندگی بالای شهری ها است. و نه این نصیحت های تائیری در جلوگیری از مهاجرت خیل عظیم این زحمتکشان بی چیز به شهرها دارد. حتی برخی از سران جمهوری هم به بوجی این "مواظت رسیده اند" به آن اذعان دارند. از جمله آیت الله مکی میگوید "ما همیشه به روستائیان موعظه میکنیم که به شهرها هجوم نیاورند در روستاها بمانند لکن باید توجه داشته باشیم تنها موعظه نمیتواند کار ساز باشد زیرا موعظه برای تکمیر است. تکمیر گستره را اول باید سیر کرد و بعد موعظه نمود (۶۲/۱۲/۷۵ - اطلاعات). سیاستی که حکومت جمهوری اسلامی در برخورد با مسایل دهقانان و در روستاها سه ساله زمین در پیش گرفته هر روز ابعاد این فاجعه را گسترش بیشتری میدهد. در نتیجه این سیاست ضد مردمی فتوای غارگر که با موج عظیم انقلاب فراری شده بودند، تحت حمایت ارگانهای حکومتی به روستاها باز میگردد.

بسیاری از زمینهای مصادره شده مجدداً به حکم دادگاههای انقلاب به اربابان سابق بازگردانده میشود. دهقانان محروم علاوه بر این در بیکاری، فقر، بیماری و بیسوادیت دست و پا میزنند آنها برای خلاصی از جنگ این فلاکتها و بیدار کردن کاروان است که به شهرها هجوم میاورند.

رهبران جمهوری اسلامی برای کم کردن این بیدادها و "جلوگیری از مهاجرت روستائیان" چه کرده اند و چه میکنند؟

آنها در اولین قدم بند "ج و د" قانون اطلاعات ارضی مصوب شورای انقلاب را متوقف نمودند، و خشم دهقانان و شادی و پایکوبی بزرگ مالکان فراری را که راه بازگشتن دوباره خود به روستا را در این دستور میدیدند فراهم کردند.

بزرگ مالکان و اربابان آنها در قدرت به خوبی دریافته اند که میتوانند گامهای بزرگی برای تقویت مواضع خود در حکومت بردارند.

پس از چندی کشاکش و منتظر نگه داشتن روستائیان محروم که هر روز فقر و مسکنت آنان افزوده می شد و اینک بار روز افزون تورم و جنگ را هم به دوش میکشیدند و بیشتر آواره بیغوله های اطراف شهرها میشدند، بالاخره "قانون احیا و واگذاری اراضی مزروعی" از تصویب مجلس گذشت. لیکن زمین داران که اینک مواضع مستحکمتری در حکومت بدست آورده بودند موجب رد قانون توسط "شورای نگهبان" و توقیف آن شدند. چیزی نگذشت که آیت الله خمینی مجلس را به اطاعت بی چون و چرا از "شورای نگهبان" منافع کلان سرمایه داران و زمین داران بزرگ فراخواند و حرف آخر درباره مسئله تقسیم زمین بین روستائیان به این ترتیب زده شد.

مسئله انجام اطلاعات ارضی، این مقدم ترین خواست دهقانان و مسرم ترین طبقه حکومت در مقابل روستائیان به تنها به فراموشی سپرده شد بلکه متدرجا حکام "شرع" راههای بازگرداندن

اراضی تقسیم شده حتی در زمان شاه معدوم را پیش پای بزرگ مالکان گذاشتند. بدین ترتیب هیچ اقدامی در روستاها انجام نشد و هیچ دردی از دهقانان درمان نگشت و سیل روستائیان گماکان به شهرها در جستجوی لقمه نانی و سزیناهی روان شد و ضرورت موعظه آقایان و نصیحت روستائیان و دعوت آنان به فداکاری و ماندن در ده دوباره بالا گرفت.

اینک با چرخش قطعی حکومت به راست و تثبیت موقعیت کلان زمینداران و سخنگویان آنان در ارگانها روند کوشش حکومت برای بازپس گرفتن "قانونی" و "رسمی" زمین ها از دهقانان زحمتکش با شدت بیشتری ادامه می یابد.

نمونه اخیر در این زمینه "طرح قانون موقوفه" است که به تصویب مجلس رسید، این طرح گزارشی ناظر بر بازگرداندن املاک موقوفه واگذار شده به دهقانان است.

در ماده واحده این طرح آمده است که: "از تاریخ تصویب این قانون کلیه موقوفاتی که بدون مجوز شرعی بفروش رسیده یا به صورتی به مالکیت درآمده باشد، به رسمیت خود بر میگردد و استاد مالکیت مادر شده باطل و از درجه اعتبار ساقط است." همچنین در تبصره ۲ این قانون آمده است که "کلیه املاک مزروعی که در اجرای تبدیل به احسن واگذاری دهات و مزارع موقوفه موسسه ۵۰/۲/۲ به زارعین صاحب نسق انتقال و بیسبب آنان تقسیم شده، با حفظ مصالح وقف، بامشرفین و زارعان صاحب نسق با رعایت حقوق اقتصادی آنان اجازه نامه تنظیم میشود... معنی ماده فوق و تبصره های آن یعنی اقدام "رسمی" و "قانونی" حکومت جمهوری اسلامی برای بازپس گرفتن زمین های دهقانان و خرده مالکان زحمتکش در روستا و برگرداندن آنها به مالکان.

با این قانون حکومت اسلامی که قرار بود زمین های مالکان بزرگ را بین دهقانان تقسیم کند امروز امکان "رسمی" و "قانونی" جهت باز پس گرفتن زمین دهقانان را فراهم می کند.

این قانون میخواهد تحویل مزرع زمین را که روستائیان طی سالها دراز مبارزه خود با رژیم شاه دست آوردند را نیز از دستشان باز پس بگیرد. در این ماده و تبصره آن صراحتاً قانون گذار راههای قانونی پس گرفتن زمین ها البته از "طرح شرعی" بی بی بزرگ مالکان موقوفه دار، این "موتولیان جان و مال" روستائیان بیچیز میگذارد. دهقانان مبارز چه در جریان توقف "ج و د" و چه در جریان رد "قانون احیا و واگذاری زمین های مزروعی" اعتراض خود را علیه این بیعدالتی به همسایگان اشکال ممکن اعلام کردند و خواستار اجرای اطلاعات ارضی دمکراتیک و کوتاه شدن دست فتوادلها و بزرگ زمینداران از روستاها شدند.

بعلاوه در برخی مناطق روستائیان زحمتکش با عوامل خان از جمله زاندارها، پاداران و کمیته چپها کاربسته دیگری های خاد کشیده شده. نمایندگان مجلس در چندین مورد اذعان کرده اند که موج بازگشت فتوادلها و سرکوب و زندانی کردن روستائیان زحمتکش، شکستن مقاومت آنان در مقابل فتوادلها موجب برانگیخته شدن روستائیان علیه حکومت گردیده است.

مقاومت و ایستادگی روستائیان معضل بزرگی برای حکومت جمهوری اسلامی است. راههایی که حکومت جهت سرکوب این مبارزه حق طلبانه زحمتکشان روستا در پیش گرفته، محکوم به شکست است.

مهاجرت انبوه دهقانان به شهرتجلی سم بر دهقانان، ورنگسنگی کشاورزی و بحران اقتصادی جمهوری اسلامی است. حکومت درحالی که گامی برای بهبود وضع دهقانان برنمیدارد، می خواهد با زور سربیزه و فشار دهقانان را از جستجوی کار و تلاش برای تأمین حداقل معاش بازدارد و مانع از مهاجرت آنها بنود.

اما توبل به این راه حل هائنتیجهای ندارد جز اینکه خشم و نفرت دهقانان و زحمتکشان را هرچه بیشتر شعله ور کند.

بیاد شهادت رفیق بیژن جزنی و همزمان

سی ام فروردین امسال، مصادف بود با نهمین سالگرد شهادت شهید خلق، هفت تن از زینبندگان آزادیخواهان سازمان ما و دو تن از رهبران سازمان مجاهدین خلق. در ۲۵ فروردین سال ۵۴ رفقا بیژن جزنی، حسن ضیا، ظریفی، مشعوف کلانتری، محمدجوادزاده، عزیز سمردی، عباس سورکی و احمد جلیل افشار از رهبران و بنیانگذاران جنبش فدائیان خلق و همزمان کاظم ذوالنور و مصطفی جوان خوشدل از رهبران سازمان مجاهدین خلق ایران که به زنده بماندن طویل المدت محکوم شده بودند، توسط رژیم ساواک در تپه های اطراف اوین مخفیانه تیرباران شدند و پیکر آنها در کنار هم در گورستان بهشت زهرا بدون سنگ و بی نشان بخاک سپرده شد.

رژیم سرپرده شاه که نقش انقلابی و برجسته این فرزندان دلیر خلق را در میان زندانیان و در قبال جنبش میدید و تا آن زمان نتوانسته بود آنان را به اعدام محکوم کند، برای خنثی کردن اثر و نقش آنان چاره کار را اجرای این توطئه سنگین تشخیص داد. پس از این معطل جنايتکارانه، رژیم اعلام کرد که آنان هنگامی که قصد فرار داشتند کشته شده اند و کوشید تا قتل آنها را به سانه فرار موجه جلوه دهد.

شهادت ناجوانمردانه رفیق بیژن و همزمان فدائی و مجاهد موجی از خشم و نفرت مردم، اعتراض احزاب، سازمانها و جمعیت های بین المللی را علیه رژیم شاه برانگیخت رژیم سواي شاه با این عمل سنگین خود رسواتر گردید. آرمانهای والای این قهرمانان خلق، کینه عمیقان به دشمن، مقاومت تا به آخرشان در راه اهداف والای انقلابی سمرقی شد برای هزاران رزمنده. مبارزی که در این راه گام گذاشته اند.

رفیق بیژن جزنی مبارز خستگی ناپذیر و پربايقه، انقلابی کمونیست یکی از پرچمساران برجسته وحدت نیروهای انقلابی در راه رژیم مشرک علیه امپریالیسم و راجاع، در طی زندگی سراسر مبارزه خود الگوی مقاومتی بود برای تمام انقلابیونی که علیه دشمنان خلق و در راه رفاهي و بهروزی خلق مبارزه میکنند. رفیق جزنی در حیات مبارزاتی خود از طریق نوشتن آثار متعدد و تئوریک و سیاسی و رهبری عملی گروه سیاسی خود تعالیم مستقیم با نیروهای ملی و مترقی و از طریق دشمن و دفاع قهرمانانه و آگاهگرانه در بیدارگاههای نظامی و نیز از طریق کار مستمر انقلابی که حاصل آن تربیت وسیع انقلابیون و تعالیم مستمر با سازمان و جنبش انقلابی در بیرون بود، و بالاخره با شهادت قهرمانانه اش سبیل و مظهر یک مبارز پیگیر و خستگی ناپذیر گردید.

شهید خلق ایران، همچون دیگر انقلابی، پيشنار و صديق، آرزويشان این بود که با ع و رزم انقلابی و بانثار جان و شهادت خود در راه آرمانهای مردم مبین برزنند و بکوشند تا با هر آزادی خلق هرچه زودتر فرا رسد. آنان خسود پيشابيش سرود آن روز را سرودند و "بهاران" آينده را به مردم خسته یاد گفتند. اما با دريغ، بسیار، امروز نه روز آزادی مردم ورهبران آنها، بلکه بازم روز مبارزه و شهادت انقلابیون است. شرایط حاکم بر مبین ما، امروز از جهاتی بسیار شبیه زمانی است که رفقای فدائی و همزمان مجاهدان به شهادت رسیدند. امروز هم راه دوستی با امپریالیسم بیموده میشود، حقوق مردم با پیمان و آزادیهای سیاسی نفی و سرکوب میشود، احزاب، سازمانها، گروهها و شخصیت های انقلابی مبین پرست مورد شدیدترین بیگردها قرار میگیرند. امروز نیز جوخه های اعدا این حکومت، خون فدائی و توده ای میچاهد دیگر مبارزین را بر خاک مبین میریزد. امروز نیز مردم ما همچون زمانی که رژیم شاه حاکم بود در فقر، گرسنگی، بیخانمانی، بی مسکنی، آوارگی و سرکوب فزاینده بسر می برند.

در چنین روزگاری آتش رزمی که آنان در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی شعله ور ساختند، فروزنده تر خواهد شد. رزمندگی آنان؛ همبستگی آنان و شهادت آنان سمرق رهبران راهشان است. پر رهرو باد راهشان، جوادان یادشان



املاک بزرگ مالکان باید بین دهقانان تقسیم شود

احیاء آر-سی - دی با شرکت جمهوری اسلامی

با تشکیل یک نهاد مشترک ...

تجارب زمان شاه و دوره اخیر در حکومت جمهوری اسلامی نشان میدهد که انقلابیون صادق بسیار نیرومندتر از شلاق و شکنجه‌های دیگرند. وجود دهها هزار زندانی سیاسی انقلابی خودنشان میکند که آنها هم از نظر جسمی و هم از نظر روحی بر شکنجه و شکنجه گران جمهوری غلبه میکنند. این امر بیش از هر چیز رهبران جمهوری اسلامی و عوامل آنها را خشمگین میسازد. بنابراین این تلاش عمده ای صوف میکنند، تا زندانیان را از نظر روحی دردم بشکنند. دروغ‌های بیشرمانه، سندسازای های زندانه، شایعه پراکنی، فیلمبرداری مخفی از بازجوئی‌ها و مونتاز آن بصورت "اعترافنامه" و پخش این فیلمها در تلویزیونهای مدار بسته برای فریب زندانیان، جلوگیری از پخش خبر مقاومت‌های قهرمانانه در زندانها و احاطه زندانیان مبارز توسط عوامل خودفروخته و فریب‌خورده، نمونه‌هایی از اقدامات روزمره و رایج حکومت برای خرد کردن روحیه زندانیان است.

در چنین شرایط دشواری است که مقاومت پیروزمندانه زندانیان انقلابی ایران که برتری عقیدتی، سیاسی و فرهنگی خود را بر رهبران و دژخیمان جمهوری اسلامی اثبات کرده‌اند، بیش‌میرد. با رتبا جنایات جمهوری اسلامی در سطح جهان و عکس العمل مردم آزاده جهان نشان میدهد که تلاش رهبران حکومت برای ابعاد بیگردد، ب‌ا شت و شکنجه بجائی نرسیده است. قیابک هوساک از دیوارهای بلند سیاه‌چالها و از اتاقهای شکنجه به بیرون راه یافته و جهانیان بسر آن واقف شده‌اند.

خشم و انزجار نیروهای ترقیخواه جهان نسبت به رفتار ضدبشری جمهوری اسلامی با زندانیان سیاسی و کشتار و اختناق در ایران ابعاد گسترده‌ای یافته است. در پی اقدامات تن از افغان و اعضا، حزب‌نوده ایران احزاب سازمانها، جمعیت‌ها و محافل دمکراتیک و مترقی جهان به سرکوب نیروهای مترقی وسیعا اعتراض نمودند. بزرگ‌کوئیاری، دبیرکل سازمان ملل متحد، طی اعلامیه‌ای، اعدام و شکنجه زندانیان سیاسی را به شدت محکوم کرد. چهل‌مین اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، گرانسی عمیق خود را نسبت به ادامه نقض جدی حقوق بشر و آزادیهای اساسی در ایران، ابراز داشت.

صدها نفر از فدائیان و توده‌ایها و ایرانیان آزادیخواه و عده ای از نیروهای مترقی آلمان در شهرهای بن و کلن در اعتراض به کشتار و اختناق در ایران و بخاطر جلب پشتیبانی مردم اروپا از زندانیان سیاسی ایران به اعتراض غذای ۹ روزه دست زدند. صدها حزب، سازمان، اتحادیه، انجمن و شخصیت‌های ترقیخواه و شردوست از سراسر آلمان فدرال و دیگر کشورهای جهان با آبیون اعلام همبستگی کردند. در شهر ویس نیر گیوهی از نیروهای مترقی مقیم آن کشور در آستانه سال نو با اعتصاب غذا به موجب‌ادانت و پیگرد و شکنجه زندانیان سیاسی در ایران اعتراض نمودند. امروز ضرورت مرم دارد اینگونه اعتراضات بطور مشترک و با شرکت وابستگان همه احزاب، سازمانها و گروههای انقلابی و میهن - پرست در کنار دیگر اقدامات گسترش یابد. رهبری جمهوری اسلامی که از تحقق اهداف انقلاب ر روی برتافت است و در جهت منافع غارتگران کام برمی‌دارد مدتهاست که بجای تأمین منافع زحمتکشان بر میزان دستگیریها و شدت شکنجه‌ها و تعداد زندانیان می‌افزاید. امروز زندانیان ی جمهوری اسلامی از دهها هزار انقلابی انباشته شده است. زندانیان از هیچ حقوقی برخوردار نیستند و جان آنان بطور جدی در معرض خطر است. رژیم به هیچ قانونی در مورد زندانیان سیاسی پایبند نیست و قانون اساسی و قوانین حقوق بشر را بی مهابا لگدمال میکند و هر آنچه انسانی است پایمال میسازد.

در مرحله کنونی، بیکار خلق ما علیه ترور و اختناق و دفاع از جان و حقوق زندانیان سیاسی و آزادی آنها به یک امر مرم در حیات مبارزاتی میهن ما تبدیل شده است. امروز تمام نیروهای که در راه آزادی و سعادت خلق‌مبارزه میکنند در معرض پیگرد رژیم قرار دارند. زندانیان جمهوری اسلامی از اعضا و هواداران کلیه سازمانهای مترقی و انقلابی پرده است. دستی که گلوله‌های سرسبز بر سینه تومساج فدائی، گیتا علیشاهی (توده‌ای)، سعادتسی (مجاهد)، سعید سلطانپور (چریک فدائی)، نورالدین ریاحی (راه کارگری) و دیگر مبارزان نشانده،

گسترش مناسبات اقتصادی جمهوری اسلامی با دول وابسته پاکستان و ترکیه وارد مرحله جدیدی شده است. اخیرا خبرگزاریها و مطبوعات غربی گزارش دادند که پیمان همکاری منطقه‌ای برای عمران (آر. سی. دی) با شرکت جمهوری اسلامی، مجددا فعالیت خود را آغاز کرده است. بنابه توافق که صورت گرفته، کمیسیون دامنشی سه جانبه‌ای که در سطح وزیران سه کشور تشکیل خواهد شد، دبیرکل این پیمان از عمال رژیم ترکیه انتخاب گردیده است.

پیمان آر. سی. دی. به ابتکار امیرالیسم آمریکا و انگلیس و با شرکت سه کشور ایران، ترکیه و پاکستان در سال ۱۳۴۳ تشکیل گردید. این پیمان در ارتباط تنگاتنگ با پیمان تجساروی ستو و مکمل آن بود. با پیروزی انقلاب بهمین و سرنگونی رژیم وابسته شاه پیمان آر. سی. دی همراه ده‌ها قرار داد نظامی و سیاسی - اقتصادی امیرالیستی از هم گسست. لغو این پیمانهای یکی از دستاوردهای ارزشمند انقلاب ضد امیرالیستی کشور ما بود. امیرالیسم جهانی، بعد از انقلاب، تمامی مساعی خود را بیکار گرفت تا نفوذ خود را در کشور ما حفظ و وضعیت گذشته را احیا کند. زمانی که لانه جاسوسی آمریکا تسخیر شد، تحریم اقتصادی ایران از سوی کشورهای امیرالیستی آغاز گشت. اما این تنها یک طرف قضیه بود. در اصل تلاش امیرالیسم برای حفظ بازارهای خود در ایران و کسب سودهای بیشتر از همه، راههای ممکن ادامه داشت. جمهوری اسلامی بجای اینکه از جهسه جهانی ضد امیرالیستی کمک بگیرد، تاوطفه‌های امیرالیسم را نقش بر آب سازد، مناسبات بسیار زیان بخشی با کشورهای پاکستان و ترکیه که هر دو شرق گاه انحصارات امیرالیستیها بویزه آمریکا تلقی بقرار ساخت.

امیرالیسم در عین حفظ بازار چند ملیبارد دلاری خود موجباتی فراهم آورد که ایران، کلاه‌های کشورهای غربی را به قیمت پایین از طریق این کشورها تهیه نماید. آنها بدین ترتیب توانستند هم وابستگی اقتصادی ایران را به غرب حفظ و تشدید نمایند و هم بحران اقتصادی و تورم داخلی را شدت دهند. رهبران جمهوری اسلامی که با گامهای شتابان بسوی غرب میروند، چوب‌حراج بر دستاوردهای انقلاب میزنند. آنان به همراه بازاری و گسترش مناسبات اقتصادی با کشورهای غربی به مناسبات اقتصادی و سیاسی با رژیمهای پاکستان و ترکیه ابعاد جدیدی داده‌اند. در مراسم اولین جلسه انجمن دوستی ایران و ترکیه که اخیرا بدست ظاهری سرکسول جمهوری اسلامی در استانبول برگزار شد، وی اظهار داشت:

"خوشوقتیم به اطلاع میهمانان عزیز برانسم که بعد از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی در ایران سطح میادلات بازرگانی با ترکیه نسبت به سابق صد برابر شده است یعنی از ۲۰ میلیون دلار به ۲ میلیارد رسیده است." بنا به گفته سفیر

یک دست است. باید برای بیکار با اختناق حاکم، اعدامهای بیسابقه و برای دفاع از زندانیان سیاسی و آزادی آنها متحد و یکپارچه عمل کرد. حکومت جمهوری اسلامی تا کنون از تفرقه و جدایی سازمانهای مترقی و انقلابی بیشترین سود را برده است. سیاست جمهوری اسلامی همواره این بوده است که تا می‌تواند به پراکندگی نیروهای انقلابی کمک کند و از همکاری آنان با یکدیگر جلوگیری بعمل آورد. در شرایط کنونی کسسه نیروهای مختلف انقلابی، عمدتا بطور جداگانه مبارزه می‌کنند، انرژی و امکانات زیادی به هدر می‌رود. طبعاً اشتراک مساعی نیروها، قدرت و امکانات را در داخل و خارج از ایران افزایش خواهد داد و امکانات جدیدی را در مبارزه علیه اختناق حاکم بوجود خواهد آورد.

مردم ما که وارث سن مبارزاتی طولانی علیه استبداد و دیکتاتوری و اختناق هستند، در ماههای قبل از قیام با خشم، کین و نفرت بر علیه جلادان ساواک یکپارچه و یکصد شعار میدادند "زندانی سیاسی آزاد باید گردد". هم اکنون نیز ضروریست که همه مردم از فجایع جمهوری اسلامی و از اوضاع زندانها آگاه شوند و بدانند که فرزندان نشان در ابعاد وحشتناکی تحت شکنجه قرار میگیرند. تشریک مساعی همه نیروها نیاید در

ترکیه در ایران، در حال حاضر بیشترین در صد صادرات ترکیه، به ایران است و ترکیه در بین کشورهای که ایران از آنها کالا وارد میکند در مقام سوم و با چهارم قرار دارد. در مورد پاکستان نیز مناسبات اقتصادی بر همین منوال است. دبیرکل وزارت بازرگانی در آبانماه ۶۲ اعلام داشت: "در اجرای سیاست اولویت توسعه

مبادلات با کشورهای مسلمان و مستضعف جهان خریدهای ایران از پاکستان نسبت به میزان پس از انقلاب اسلامی بیش از ده برابر افزایش یافته است." (صبح آزادگان - ۱۵ آبانماه ۶۲). رهبران جمهوری اسلامی در توجیه توسعه سریع روابط اقتصادی با حکومتهای دیکتاتوری دست‌نشانده پاکستان و ترکیه و برای برپوش گذاشتن بر ماهیت این مناسبات می‌گویند که خرید ما از این کشور بخاطر ارزان بودن کسلا و با کیفیت مناسب آن نیست بلکه داشتن روابط عمیق بر اساس اسلام با این کشورها می باشد. رژیم های کودتایی ترکیه و پاکستان در زمره همان مسلمانان وابسته به امیرالیسم هستند که اقتصاد آنها با هزاران رشته مرفی و نامرفی به انحصارات امیرالیستی وابسته است. ترکیه عضو پیمان تجاروکار ناتو است. امیرالیسم آمریکا در ترکیه دارای ۶ پایگاه نظامی است. این پایگاه ها وسیعا مورد استفاده نیروهای واکشن سریع قرار دارند. حکومت سرسبز ه ترکیه پایگاه هوایی انجیرلیک را از اختیار آمریکا گذاشته است. هواپیمای آمریکاز پایگاه انجیرلیک در نزدیکی شهر ادا نابه پرواز در می آید و بر سر خانه و کاشانه مردم رنجیده لبنان بمب می ریزند. مطبوعات غربی گزارش میدهند که به ترمیم ریکان موشکهای کروزر ترکیه مستقر خواهند گردید.

دیکتاتوری صفا، الحق نیز بیش از پیش نقش ژاندارمی منطقه را برای تأمین منافع امیرالیسم جهانی و سرکوب جنبش‌های رهاشی بخش ایفا میکند. آمریکا قرارداد نظامی - اقتصادی به مبلغ ۳ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار با پاکستان منعقد کرده است. در چارچوب این قرارداد رژیم صفا، الحق از زادخانه ستانگون گنکنده های اف - ۱۶ دریافت خواهد کرد. دولت دست‌نشانده پاکستان بطور غیرعقلی موافقت کرده است که از خاک این کشور بعنوان پایگاه نیروی واکشن سریع و برای ایجاد مرکز جاسوسی الکترونیکی آمریکا در پیناور، اسلام آباد و کراچی استفاده شود.

ماهیت ضدملی و ضددمکراتیک این دو رژیم وابسته، ماهیت احیاء پیمان آر. سی. دی. رادر هر بوشی که باشد فاش میسازد. احیا و باسازی پیمان آر. سی. دی. با توجه به سیاست استقلال - شکن و دفاع از غارتگری سرمایه داری رهبران جمهوری اسلامی در این چارچوب محدود نخواهد ماند. سردمداران سیاست راست می خواهند از همه "مزایای" نزدیکی و اتحاد با غرب بهره‌مند شوند و در این راه گام برمی‌دارند.

خدمت افشای جنایات جمهوری اسلامی قرار گیرد و به ارتقاء آگاهی مردم از وضع هولناک سیاه‌چال‌های رژیم کمک کند تا به سیج و اقدام هرچه موثرتر آنها علیه این جنایات منجر شود. سازمان ما از کلیه نیروهای مترقی و میهن پرست میخواهد در راه پایان بخشیدن به ترور و اختناق و آزادی زندانیان سیاسی متحد و یکپارچه عمل کنند و در راه افشای جنایات رژیم و آگاه ساختن مردم از اوضاع زندانها و نیز بهره گیری گسترده از همبستگی نیروهای مترقی در سطح بین المللی اشتراک مساعی نمایند. میهن ما ما اینست که برای حصول این آماجها نهاد مشترکی با شرکت نمایندگان کلیه سازمانها و نیروهای مترقی و میهن پرست ایرانی تشکیل گردد. شکل گیری چنین نهادی زمینه های اشتراک مساعی و اتحاد عملی از بیکار علیه ترور و اختناق و بخاطر آزادی زندانیان سیاسی را گسترش میدهد و مبارزه در این راه را بسیار شریخت تر میکند. همانطور که مبارزه در راه آزادی زندانیان سیاسی حلقه مهمی از مبارزه بخاطر تأمین آزادیهای سیاسی و حقوق مردمی در کشورمان است تشکیل نهاد مشترک برای هدایت و هماهنگی این مبارزه، بنوع خود اقدامی جدی در چارچوب نزدیکی و اتحاد همه نیروهای انقلابی و میهن پرست کشور ماست.

افغانستان: شش سال پس از پیروزی انقلاب ثور

هفتم ثور (اردیبهشت) امسال مردم افغانستان، ششمین سالگرد پیروزی انقلاب خود را جشن میگیرند. انقلاب ثور با تأمین استقلال ملی و حاکمیت مردمی راه استقلال همه جانبه، آزادی و پیشرفت اجتماعی را بر مردم آن کشور که در جنگال عقب ماندگیهای فئودالی گرفتار بودند، گشوده است. امروز در پرتو انقلاب ثور، علیرغم همه دشواریها، افغانستانی را می بینیم که در آینده نزدیک، خود را از جنگال همه این عقب ماندگیها رها نموده و زندگی فارغ از بهره کشی و ستم و گرسنگی را برای مردمش فراهم خواهد آورد.

در افغانستان قبل از انقلاب ثور، بیش از ۹۰ درصد مردم بیسواد بودند و تنها ۲۹ درصد کودکان واجد شرایط به مدرسه می رفتند. ۵۰ درصد کودکان قبل از ۵ سالگی می مردند. و برای هر ۱۳ هزار نفر سکه افغانستان یک نفر پزشک و برای هر ۵۰۰۰ نفر فقط یک تخت بیمارستان وجود داشت. افغانستان از لحاظ تولیدات صنعتی در زمره عقب مانده ترین کشورها به حساب می آید و تنها ۱۵ واحد تولیدی با بیش از ۵۰۰ نفر کارگر داشت. امروز مردم افغانستان به رهبری حزب دمکراتیک خلق، علیرغم توطئه های امپریالیسم و ارتجاع در عرصه های گوناگون زندگی اجتماعی با برنامه های هدایت شده و انقلابی به پیش میروند و در این راه از باری های بی دریغ و بیپشایه دستان انقلاب، سویژه اتحاد شوروی برخوردار هستند.

طول شش سال بعد از انقلاب ثور در شرایطی تأمین شده است که امپریالیسم دست نشانده آن به جنگ اعلان شده علیه این کشور همچنان ادامه میدهد. دستجات ضد انقلابی در خاک افغانستان کارگران، دهقانان، معلمین و روحانیون، زنان و کودکان و پیشانیان را ترور میکنند. بیمارستانها، مساجد، کارخانجات، رستورانها و سینماها را منفجر کرده و مزارع را به آتش می کشند. شبکه های برق را تخریب کرده و مانع از تأمین برق واحدهای تولیدی می شوند.

دولت ریگان وسیعاً به ضد انقلابیون کمک میکند. امریکا تا کنون مبالغ هنگفتی در اختیار باندهای ضد انقلابی گذاشته است. سفارت آمریکا در کابل به مرکز توطئه علیه انقلاب افغانستان تبدیل شده است. خرابکاران بارها اعتراف کرده اند که به دستور "سیا" به عملیات تروریستی دست میزنند.

دولت جمهوری اسلامی نیز بطور گسترده به جایگزینان کمک میکند. اعترافات سران باندهای ضد انقلابی حاکی است که جمهوری اسلامی در شهرهای تهران، مشهد، قم، زاهدان، تربت جام، تایباد و اردوگاههای نظامی تأسیس کرده و به خرابکاران فنون جنگ، آتش افروزی، قتل، تخریب و دیگر جنایات را آموزش میدهد. گروهی از آنان را به جبهه های جنگ ایران و عراق گسیل میدارند و گروه دیگری را برای کشتار و تخریب به داخل خاک افغانستان می فرستند.

تثبیت انقلاب افغانستان و پیشرفت آن شان داده است که اقدامات مذبحانه امپریالیسم امریکا و دست نشانده آن و تلاش های رهبری جمهوری اسلامی نتوانسته است به نتیجه برسد. اکنون رهبری حزب دمکراتیک خلق افغانستان گامهای استواری در جهت استقرار و گسترش قدرت سیاسی، تحکیم وحدت ملی، بهبود وضع اقتصادی و رگرگوت ضد انقلاب بر میدارد. قدرت دولتی در دوره سببترین مناطق استقرار یافته و ارگانهای محلی تشکیل میگردد. اعتماد مردم روز به روز به حکومت انقلابی افزایش می یابد و مردم حقانیت انقلاب را هرچه بیشتر لمس و درک میکنند. همواره بر تعداد کسانی که حاضر میشوند به مفود دفاع از انقلاب بیوندند افزوده میشود. تاکنون بیش از ۲۵ هزار تن از افرادی که باندهای ضد انقلابی همکاری داشتند با ترک آماجهای انقلاب به جبهه انقلاب پیوسته اند.

حزب دمکراتیک خلق افغانستان با توجه به مرحله رشد جامعه و خط انقلاب ملی و دمکراتیک بر اتحاد نیروهای ملی - میهنی تأکید می ورزد. با تلاشهای بیگانه حزب، جبهه ملی در وطن تشکیل گردیده که تمام نیروهای ملی و میهنی را صرف نظر از تعلقات اجتماعی - طبقاتی و ملی آنها بخاطر دفاع از استقلال افغانستان انقلابی در برابر تجاوزات امپریالیسم جهانی و ساختمان جامعه نو و عدالت خواهانه متحد و یکپارچه میزند. اتحاد کارگران و دهقانان اساس جبهه ملی و حزب دمکراتیک خلق افغانستان نیروی رهبری کننده آن است. هم اکنون یازده سازمان دولتی و عده زیادی عناصر ملی - میهنی بر سر با تعداد بیش از نیم میلیون نفر در جبهه ملی "پدر وطن" شرکت دارند. حزب و حکومت انقلابی در راه تأمین وحدت ملی، تلاش های جدی در راه تحکیم مناسبات دوستی و برادری و نزدیکی اقوام و قباایل به عملی آورد و به جامع سنتی قباایل توجه کافی مبذول میدارد. حزب و دولت افغانستان آزادی اعتقادات مذهبی را تأمین کرده و از حقوق قانونی مسلمانان و روحانیون حراست میکند. از مراکز مورد احترام مردم متدین مراقبت به عملی آورد. با علما و روحانیون برای اجرای تصمیمات و تدابیر دولتی مشورت کرده و راه شرکت آنان را در فعالیت های اجتماعی باز می کند.

امروز واقعیات شان میدهد که علیرغم دشواری های ناشی از جنگ اعلان شده و توطئه های مداوم امپریالیسم، انقلاب ثور در جهت تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردها به پیش می رود و مسردم بیدار افغانستان با امید فراوان به آینده تابناک و سعادت مند خود می نگرند. آنها مطمئنند که با کمک دستان خود این آینده را خواهند ساخت.

جمهوری دمکراتیک خلق افغانستان از همان آغاز، حل مسئله زمین و آبرو به مثابه مقدم ترین وظیفه در سرلوحه وظایف خود قرار داد. دولت با قدرت در برابر تلاش های بزرگ مالکان و خان ها که از حمایت امپریالیسم برخوردارند ایستاده و به تقسیم و واگذاری زمین منتهی دهقانان پرداخت. تا کنون بیش از ۳۵۰ هزار خانوار دهقانی زمین دریافت کرده اند. نزدیک به ۳ میلیون و ۴۰۰ هزار دهقان از بازپرداخت ترونی سالهای قبل معاف شده اند. حدود ۱۳۰۰ تن وادی دهقانی بوجود آمده است. سطح زیر کشت زمین های مکانیزه گسترش یافته و بخش دولتی تقویت گردیده است. دولت برای غلبه بر عقب ماندگی تولید کشاورزی و برای افزایش محصولات به تلاشهای جدی دست زده است. سعی تعاونی کردن کشاورزی در شورای انقلاب تصویب شده. تعاونی های کشاورزی از طریق گرفتن اعتبارات بانکی، بذر مرغوب و کود نیماکی از امتیازاتی برخوردار شده اند. اکنون بیش از ۲۰۰ هزار نفر به عضویت تعاونی ها درآمده اند. اتحادیه دهقانان افغانستان با بیش از ۲۰۰ هزار نفر عضو از منافع دهقانان دفاع میکند. امروز در کار و زندگی کارگران افغانستان درگرونیهای بوجود آمده است. دستمزد کارگران ۲۵ تا ۵۰ درصد افزایش یافته، آنان از حق روز کار محدود استفاده و مرخصی برخوردارند. اتحادیه صنفی کارگران با عضویت ۱۶۰ هزار کارگر تشکیل شده که از حقوق کارگران دفاع میکند و بر اجرای قوانین کار و شرایط و قراردادهای دسته جمعی در موسسات تولیدی نظارت دارد.

زنان افغانستان که در زیر ستم شدید قرار داشتند، سازمان دمکراتیک خود را با ۲۵ هزار عضو تشکیل داده اند. جوانان افغانستان سازمانی با عضویت بیش از ۱۰۰ هزار نفر بوجود آورده اند. در این مدت اتحادیه های نویسندگان، شعرا، هنرمندان و روزنامه نگاران کشور، شورای علما و روحانیون و انجمن های طب و پزشکی و همبستگی تشکیل گردیده اند.

در زمینه صنعت، ظرفیت واحدهای تولیدی افزایش یافته و واحدهای جدید تولید آهن، کود شیمیایی، مواد غذایی و نساجی آغاز بکار کرده است. از ۶۵ پروژه ای که مورد بهره برداری قرار گرفته اند، ۹ پروژه برق طرح های بزرگ صنعتی می یابد. تولید برق افزایش یافته و کار ساختمان ۵ پروژه برق محلی در دست تکمیل است. با راه افتادن پروژه بهره برداری از معادن مس، افغانستان دارای صنایع ذوب فلز خواهد گردید.

دستاوردهای جمهوری دمکراتیک افغانستان در

**آدمی با سرافراشته باید بزید
و سرافراشته باید میرد
و به دشمن سر تسلیم نیارد در پیش
و انهد در ره آزادی خلق
همه هستی خویش**

گرامی باد یاد شهدای اردیبهشت ماه
فدائیان خلق:

عبدالباقی خضری	نادر ابراهیمی
دقیقاندوست	مرضیه احمدی اسکویی مجید
شجاعی انارکی	شاهرخ اختیاری
شمس	عادل اسکندری
شیدایی	فخری
قدرت الله شیروانی	هوشنگ اعظمی
سپروس صابریزاده	فریدون بهرامی
صانعی	پناهی
شهریار علی پور	ابراهیم پورطالبی
غفاری	رضا تیموری
قره پایاق	علی اکبر جموری
محمد نژاد	حبیب حسن زاده
محمّد سعید واعظی آشتیانی	منصور خسروی

بر رهرو باد راهشان ،
جاودان یا دشان

**با جمع آوری
کمک های مالی
فدائیان خلق را در انجام وظایف
انقلابی خود یاری دهید.**

**اعدام رفیق صابر احمدیان
بدست سرکوبگران جمهوری اسلامی**

رفیق صابر احمدیان عضو فعال سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در سرات، که مدت ها پیش بازداشت شده بود، پس از شکنجه های بسیار روحی و جسمی به دست دژخیمان جمهوری اسلامی محفیان و ددمتانه اعدام شد. سرکوبگران جد رفیق را خارج از گورستان محل و در جایی دور افتاده زیر خاک پنهان کردند. اما مردم جای دفن شهید را یافتند و یاد وی را که برای افراد محل شناخته شده و محبوب بود، گرامی داشتند.

در مدت بازجویی شکنجه گران از رفیق صابر احمدیان خود را میخواستند تا دفاع از آرمان سیاست سازمان خود را ترک کند و با آنها همگ کند. اما او نیز همچون همزمان خویش گران زندانهای سراسر شهرهای ایران زیر فشار شکنجه هستند با ایستادگی خود دشمنان را تحقیر کرد. او بار دیگر اشیات نمود این سرکوبگران و دژخیمان هستند که همواره برای تجارت بر سر عقیده و مرام و هدف خود آماده اند. دژخیمان جمهوری اسلامی او را ددمتانه کشتند، چون بر همه ادعاهای آنان داغ ننگ و نفرت زد و آنچنان که درخور شکنجه گران مردم است، آنان را خوار کرد. خاطره رفیق شهید صابر احمدیان همراه با خاطره هزاران شهید خلق از نوجوانان دوازده ساله تا مادران سالخورده هفتادساله که در جنگال دژخیمان جمهوری اسلامی شکنجه شدند و به شهادت رسیدند، همواره در قلب مردم زنده خواهد ماند و خشم و نفرت آنان را علیه دشمنانشان فرزان تر خواهد ساخت.

گرامی باد خاطره رفیق شهید صابر احمدیان.

آموزش های از:

انقلاب و سوسیالیسم

شماره: ۷
منتشر شد

پیش بسوی جبهه متحد خلق